



به استقبالی صدمین سالگرد

هشتاد و نهمین سالگرد

در صفحه ۶

استراتژی پیشروی جنبش کارگری، شروط یا راهبردها!

در صفحه ۲

«خوکیا»، دو سمت گیری در مبارزات کارگری

در صفحه ۴

شلاق زدن کارگران را محکوم می کنیم!

در تاریخ ۲۷ بهمن ماه ۸۶، دادگاه تجدید نظر شهر سنندج، برای ۱۱ نفر از کارگران این شهر که در مراسم اول ماه مه ۸۶ روز جهانی کارگر شرکت کرده بودند، حکم شلاق و جریمه نقدی صادر کرد. این حکم تاکنون در مورد ۳ نفر از کارگران اجراء شده است. احکام محکومیت کارگران به جرم برگزاری مراسم اول ماه مه در ادامه فشارهایی است که در چند ماه گذشته بر کارگران و فعالان کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی بطور مرتب اعمال شده است.

شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری چنین اعمال فشارهایی را به شدت محکوم کرده و خواستار لغو فوری احکام فوق است. و همچنین از تشکل های مستقل کارگری بین المللی می خواهد نسبت به احکام فوق اعتراض کرده و بدینوسیله همبستگی طبقاتی خود را با طبقه کارگر ایران مستحکم تر نمایند.

شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری ۱۳۸۶/۱۲/۲

گزارش برگزاری روز کومه له در خارج کشور



در شماره قبلی جهان امروز گزارش برگزاری مراسم روز کومه له را در کانادا ملاحظه کردید. در این شماره جهان امروز توجه شما را به گزیده ای از گزارشات این مراسم در شهر استکهلم و گوتنبرگ در سوئد، دانمارک، نروژ، فنلاند، آلمان و استرالیا جلب می کنیم.

در صفحه ۹



برگزاری مراسم گرامیداشت روز کومه له در اردوگاه مرکزی کومه له

روز جمعه ۲۶ بهمن ماه مراسم گرامیداشت ۲۶ بهمن روز کومه له، در اردوگاه "زرگوین" در نزدیکی شهر سلیمانیه در کردستان عراق، با حضور بیش از یک هزار نفر از نمایندگان احزاب و سازمانهای سیاسی، مردم آزادیخواه و هواداران و پیشمرگان کومه له برگزار شد.

مراسم با خواندن یک قطعه شعر و معرفی برنامه های مراسم از سوی مجریان مراسم، آغاز و با سرود انترناسیونال سرود همبستگی طبقه کارگر و یک دقیقه سکوت به یاد تمامی جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم ادامه یافت.

در ادامه مراسم، "حسن رحمانپناه" عضو کمیته مرکزی کومه له در مورد وضعیت سیاسی منطقه، ایران و کردستان سخنرانی کرد و مواضع کومه له را پیرامون مسائل مختلف تشریح نمود.

در ادامه مراسم شعر، سرودهای انقلابی و پیام احزاب و سازمانهای سیاسی به مناسبت روز کومه له خوانده شد و هنرمندان "محمد جزا"، نظام ملازاده و "چرا جهان وطن" نیز برنامه های اجرا کردند.

مراسم گرامیداشت روز کومه له در میان شور و شوق شرکت کنندگان و با برگزاری شادی و پایکوبی به پایان رسید.

شماره ۵ گاهنامه

تریبون زن

ویژه صدمین سالگرد ۸ مارس

روز جهانی زن منتشر شد!

نسخه اینترنتی آن نیز بزودی منتشر می شود!



فرشید شگری

استراتژی پیشروی جنبش کارگری، شروط یا راهبردها!

یافتن بران نهادهای کارگری یا جمع شدن کارگران حول این گرایش، زمینه پیاده کردن سوسیالیسم، لغو مالکیت خصوصی و کارمزدی کاملاً مساعد خواهد شد.

شکافتن اوضاع راه نشان می دهد

فی الواقع منظور از "شکافتن" وضعیت سیاسی کشور و شناسایی نیروهای سهمیه در خلق آن، تدقیق رخدادهای پی گیری عملکردهای حاکمیت در مقابل اپوزیسیون بورژوازی (قانونی و غیرقانونی) و بالعکس می باشد. دانش بر کنش ها و واکنش های نیروهای دخیل در روندهای داخل و فهم دقیق شرایط، به گشوده شدن روزنه های عبور از موانع پیشروی می انجامد، به دیگر سخن تحلیل صحیح اوضاع نمایان کننده راهبردهای کارسازتری خواهد بود و رادیکال های جنبش کارگری خواهند توانست عکس العمل های سریع و مؤثری در برابر رژیم و گرایش های راست جنبش کارگری یا جریان های لیبرال از خود نشان دهند و مانع از به بیراهه رفتن مبارزات کارگران و ستمکشان گردند.

در این دوره رفرمیست ها و سندیالیست ها که ریشه در بخشی از حاکمیت دارند یا دارای حلقه های ارتباطی محکمی با طبقه های رنگارنگ اپوزیسیون لیبرال، سوسیال دموکرات و ناسیونالیست ملل تحت ستم هستند، از موقعیت جا افتاده ای در جذب و جلب نظر کارگران برخوردارند. دفاع مودبانه آنان از خواست های صنفی-سیاسی کارگران و مزدبگیران، نقدهای آنها از نتایج زیانبار سیاست های کلان اقتصادی حاکمیت برای شهروندان طبقه تحتانی کشور، ارائه برنامه ها و پلانفرم هایی در بهتر شدن سطح زندگی و معیشت ایشان در سایه همین رژیم یا پس از سرنگونی، مجالی به آنها داده تا بر اذهان قسمت هایی از کارگران ایران تأثیر بگذارند.

بدین اعتبار عنایت چپ های جنبش به فرآیندهای سیاسی کشور، نحوه پراتیک گرایش های خرد بورژوازی و بورژوازی جنبش بعلاوه مشغول شدن به رویدادهای منطقه ای و بین المللی، و کنکاش در جنبش کارگری همه ممالک جهان، راهگشای در پیش گرفتن خطوط مبارزاتی عاری از ایراد خواهند بود. یک فعال چپ کارگری زمانی از عهده وظایف خویش به خوبی بر می آید که سوای عمل به امورات خود در محل، قدرت تحلیل وقایع داخلی و خارجی را پیدا کرده، و همچنین به گره گاه ها و کاستی های جنبش کارگری و جنبش کمونیستی در سراسر دنیا اشراف پیدا کند. با بخدمت درآوردن این دانش و تسلط بر نقاط ضعف جدال های کارگری در کشورهای مختلف، می توان به راهبردهای کاری و ثمربخش پی برد و چنان ضرباتی به سرمایه داران و رژیم سیاسی آنان وارد آورد که هرگز پشت راست نکنند.

پشتیبانی از جنبش های دموکراتیک

طرح مطالبات توده های ناراضی در هر اعتصاب و اعتراض کارگری، و تأکید بر خواست های زنان و دانشجویان بسی حیاتی است. اگر دیکتاتوری همانند فقر و بدبختی های اقتصادی یکی از عوامل عمده در مسیر پیشروی جنبش کارگری ایران

درونی کمیته هماهنگی یا کند و کاوی در تقابلات جاری بر روی اساسنامه پیشنهادی اکثریت هیئت اجرایی کمیته هماهنگی و اساسنامه پیشنهادی محسن حکیمی نیست. در این باره رفقای زیادی از سر دلسوزی قلم زده اند و ارزیابی های کنکرت و مفیدی ارائه داده اند و امید می رود در آینده ای نزدیک خود رفقای دست اندرکار این تشکل با عنایت به اهداف تعیین شده، مسائل داخلی اشان را حل و فصل نمایند. بهر تقدیر آنچه بطور کل مورد نظر نگارنده این گفتار می باشد، یاد آوری شروطی است که پیشروی های آتی جنبش کارگری را ضمانت می کنند.

درک اجتماعی از جدال با سرمایه داری

نخستین نکته در باب برداشتن قدم های رو به جلو، "درک اجتماعی از پیکار علیه سرمایه داری" است. این "درک علمی" هر فعل و انفعال کارگری را در سطح جامعه می سنجد و به نیت تقویتش وارد عمل می شود. این شناخت چون راه های کسب منافع استثمار شدگان را در اثر مطالعه و درس گیری از تجربیات تاریخی دقیقاً تشخیص داده لذا از هر فرجه ای در راستای تحمیل عقب نشینی به سرمایه داران سود می جوید. دارندگان عقیده فوق هیچگاه دور خود حصار نمی زنند، تنها مرزبندی شان با رفرمیست ها یا سندیالیست هاست. این اندیشه بی دلیل اعتراضات کارگران برای بالا رفتن سطح دستمزدها، پائین آوردن ساعات کار و ... در رفرمیستی نمی خواند، خارج از مدار تقابل با سرمایه داری و سیستم کارمزدی قلمداد نمی کند، و گرد آمدن کارگران را حول منافع طبقاتی «صرف نظر از تعلقات ملی، مذهبی و باورهای سیاسی متفاوتشان» اولین گام به طرف فتح سنگرهای بعدی می داند. صاحبان این برداشت و استنباط از پیکار علیه سرمایه داری برآند تا از راه های متفاوت امر ناظر گردیدن گرایش سوسیالیستی طبقه را بر جنبش کارگری سهل و آسان سازند.

این دیدگاه وجود رو در روئی آشکار و پنهان کارگران با کارفرمایان و رژیم های سیاسی آنها را از جزئی ترین مطالبات صنفی گرفته تا پایه ای ترین آن حقوق، مبارزه ای روزمره علیه شیوه و روابط تولیدی معاصر و جدالی آشتی ناپذیر در جوامع بشری ارزیابی می نماید. از اینرو جنگ کارگران ایران بر سر دستمزدهای موقه یا افزایش آن بر اساس نرخ تورم، حق بیمه های درمانی، حوادث محل کار، از کار افتادگی، بیکاری، بازنشستگی و سایر مزایای کارگری را پیکاری سیاسی- صنفی می نامد. اگرچه این دیدگاه فاکتور "آگاهی" را لازمه ظفر بردن پروتاریا بر بورژوازی می داند و خود را مکلف به انتقال این آگاهی کرده، با این تفصیلات معتقد است خود کارگران در پروسه مبارزه به آگاهی مورد بحث دست می یابند بدین معنا که پی بردن کارگران به قوانین و الزامات بقای نظام استثمارگر سرمایه داری (سرمایه، سود، و تولید و بازتولید ارزش اضافه) آسان می گردد و خود را برای براندازی این سیستم تدارک می دهند. از این واقعیت نتیجه می گیرد که نخست بشرط متشکل شدن کارگران در تشکل های توده ای و طبقاتی خود بدون قائل شدن هر پیش شرطی، و ثانیاً تقلای گرایش رادیکال سوسیالیستی در تسلط

در اینکه سعی تمامی چالشگران چپ و رادیکال جنبش کارگری ایران در جهت پیشبرد پیکارهای کارگری است، هیچ شبه ای وجود ندارد، و اینکه هدف غائی پیشروان جنبش (داخل و خارج) پیدا کردن راهکارهایی در بر طرف ساختن معضلات پیشروی تشکل یابی و گرد آمدن قاطبه کارگران حول منافع طبقاتی شان می باشد، یک واقعیت انکار ناپذیر است.

چه کسی می تواند بگوید این یا آن فعال چپ کارگری در جستجوی هدف فوق نیست و بی سبب عمر و زندگی خود را مصروف امر مبارزه کرده یا بدون دلیل گام در این راه پر مخاطره نهاده است؟ «مسئله احدى یک چنین ادعائی نخواهد داشت.» قطعاً برخی از دیدگاه ها بجای رفع نواقص و کمبودها موجد گرفتاری های بعدی خواهند گردید که می باید با بردباری، و در فضائی رقیقانه نقاط ضعف اینگونه آرا را برشمرد. مسلماً دیالوگ و برخوردهای متین کارسازترند تا برافروختگی و تندى.

اما خود بحث، مدت هاست ذهن کوشندگان کارگری (قدیمی و جدید) بدین پرسش معطوف گردیده که از چه طروقی ملزومات پیشروی جنبش کارگری ایران فراهم می آید؟ دستیابی به تشکل های مستقل و توده ای بعنوان مهمترین شرط پیشبرد مبارزات کارگری چگونه امکان دارد؟ این سؤالات بر اهمیت هنگامی برجستگی بیشتری یافتند که صحنه سیاسی کشور مملو از اعتراضات و اعتصابات روزانه کارگران صنعتی و خدماتی برسر مطالبات صنفی اشان بود. برآیند و صعود پیکارهای تدافعی کارگران برضد سرمایه داران در هر دو بخش خصوصی و دولتی از اوایل دهه هفتاد بدین سو، آغازگر طرح دوباره ایجاد تشکل های طبقاتی و توده ای در درون جامعه شد. از طرف دیگر اوج گیری چالش های کارگری ضمن پرورده کردن رهبران جوان کارگری، جنب و جوش خاصی به گرایش سوسیالیستی جنبش رهائی زنان و دانشجویی در سال های نخست دهه هشتاد بخشید.

تأسیس کمیته هماهنگی، کمیته پیگیری و... به ابتکار کوشندگان کارگری گرایش های مختلف (راست و چپ) و با دو استراتژی مجزا «بمنابه یک پیروزی عمده برای جنبش» میوه دلچسب این دوره بود. هرچند گرایش راست جنبش کارگری به توصیه و ترویج تشکل هائی با ماهیت سازشکارانه و در انطباق بی کم و کاست با خواست سرمایه داران، صاحبان صنایع و رفرمیست های حاکمیت پرداخت، لیکن در برابر آن فعالین چپ متشکل در کمیته هماهنگی برپائی تشکل هائی با حضور گسترده کارگران، بدون اخذ اجازه از وزارت کار رژیم و با رویکردی ضد سرمایه داری را در دستور گنجاندند.

سمت گیری طبقاتی و محتوای سرمایه ستیزی "کمیته هماهنگی" به تقویت گرایش سوسیالیستی یاری رسانید و دستاوردهای درخور تحسینی همچون نشان دادن مصائب و رنج های کارگران ایران به طبقه کارگر جهان و انتقال آگاهی بدرون بخش هائی از کارگران و تلاشگران کارگری در محل داشت، معذک معماران این کمیته بعلت بروز زورآزمائی های نظری تا حدودی از امر سازمانیابی کارگران در نهادهای توده ای و طبقاتی بازماندند. البته غرض از بیان این مختصر به هیچ روی واری مسائل

پیش شرط حیاتی حرکت رو به پیش (ایجاد تشکل های مستقل و طبقاتی) متحقق نگردیده، و متأسفانه احتمال جدائی فعالین گرایش سوسیالیستی و رادیکال هم بر جنبش کارگری سایه افکنده است. این قضیه در حقیقت مایه نگرانی اکثریت قریب به اتفاق همسنگران آنان در جنبش های اجتماعی بویژه بخش چپ جنبش دانشجویی و احزاب کمونیستی را بار آورده است.

واضح است پایانی برای جدل های فکری نیست. این مباحث همیشه می توانند باشند و راهبردهای عقلانی و مفیدتری از آن بحث ها بیرون آیند و جایگزین شیوه های کهنه شوند. آنچه اینک موضوعیت دارد برداشتن اولین قدم ها در جوبگوئی به نیازهای عاجل مقطع دشوار کنونی می باشد. می شود توأماً با گرفتن انتقادهای سازنده، و حضور فعال در مجادلات اندیشه‌ای، به همکاری تنگاتنگ با همدیگر و کار روتین و نقشه مند مشغول گردیم.

کوتاه سخن اینکه تشریح مساعی ما «صرف نظر از اختلافات کنونی» همراه با نگاهی دقیق به ریزه کاری ها و ظرافت های مبارزه طبقاتی، تمرکز در صف بندی و آرایش نیروهای بورژوائی، دنبال کردن فعالیت های آنان در میان جنبش های اجتماعی و بالاخره تعقیب منازعات داخلی جبهه سرمایه به یافتن خطوط مبارزاتی اصولی و منطبق با مصالح عالیله طبقه کارگر، کسب نتایج مطلوب در میان مدت، و در نهایت به پاک شدن مسیر پرستگلاخ پیشروی جنبش کارگری ختم خواهد شد.

صرفاً پرداختن به این یا آن دیدگاه در درون گرایش سوسیالیستی جنبش کارگری و رها کردن تحركات جبهه دشمن، بجز پیچیده تر کردن مسائل و تضعیف جبهه کار و زحمت ثمره ای دربر ندارد. هر فردی خود را متعلق به گرایش سوسیالیستی طبقه کارگر می داند، فکر و ذکرش سازمانیابی کارگران و سپس انقلاب کارگری، برچیدن مالکیت خصوصی، لغو کارمزدی، محو طبقات و یا بطور خلاصه نابودی نظام چپاولگر سرمایه داری را افق خود قرار داده، ناگزیر از قبول کار مشترک و اختصاص دادن انرژی خود بر روی روندهای سیاسی جامعه است.

دهم فوریه ۲۰۰۷

زایوه به پیشنهادات اطرافیان نگرستن اصل اساسی در کنار هم بودن «بدون چشم پوشی از خطاها و در دست داشتن سلاح نقد» را صد در صد ممکن می سازد و از وارد آمدن ضربات جبران ناپذیر بر پیکر جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر جلوگیری می کند. جای تحیر است با آنکه دهه هاست لزوم این همگرایی احساس گردیده، اما باز هم در پاره ای اوقات بعضی از رفقا جدائی را به صلاح کارگران و جنبش ایشان می پندارند.

هر کسی اندک آشنائی و شناختی از مصائب و مشکلات کارگران داشته باشد، اصلاً و ابداً به تشدید یافتگی و افزوده گردیدن معضلات دیگر برسر راه جنبش کارگری رضایت نمی دهد. قریب سی سال است نداری و فلاکت، خفقان سیاسی و سرکوب، اخراج و بیکارسازی، بی تشکلی و پراکندگی و دهها معضل اینچنینی طبقه کارگر را در منگنه قرار داده اند و به ورطه تباهی کشانیده اند. واقعا چگونه می شود در ازای جستجوی راهکاری به امید برون رفت یا حداقل ترمیم این زخم ها اندیشه جدا کردن مسیر مبارزه را در ذهن داشت وقتی هیچ تمایز و فرقی در اهداف نهائی (انقلاب کارگری، بقدرت رسیدن طبقه کارگر و نابودی مناسبات استثمارگریانه سرمایه داری) نمی بینیم؟!

مرزبندی با گرایشات رویزیونیستی یا رفرمیستی یک اصل پایه ای و تعطیل ناپذیر برای ما چپ های کارگری است و تا انتها هم این مصاف را ادامه می دهیم منتهی رفتن به جنگ کسی که بسان ما می اندیشد لیکن روش و متد کاری ما را قبول ندارد نفعی دربر نخواهد داشت آنهم در دوره ای که رژیم اسلامی - سرمایه داری و تمامی جناح های بورژوازی همسفره با حکومت یا ناراضی از آن چه مستقلاً و چه در اتحادهای نا نوشته، و اعلام نشده نقشه متوقف کردن مبارزات رادیکال کارگران را می کشند، و با اقسام ترفندها در صدد ممانعت از رویکرد توده های کارگر و زحمتکش به افق سوسیالیستی اند.

جمع بندی

در چهار سته اخیر زحمات بی دریغ و صادقانه ای از جانب پیشروان کارگری «بدون واهمه از دستگیری، شکنجه، حبس و اعدام» انجام گرفته، و هرچه از دستشان برآمده در طبق اخلاص نهاده اند. با این همه، تا کنون

می باشد، بنابراین فقط با حمایت از مبارزات توده‌ای امکان غلبه بر این سد عظیم وجود دارد. در صورتی که جنبش های اجتماعی از مساعدت جنبش کارگری بی نصیب باشند و یا خود این جنبش ها به هواخواهی از جنبش کارگری برنخیزند و رهبری مبارزات را به طبقه کارگر واگذار نکنند، پتانسیل آن را ندارند تا تحول و دگرگونی شایان تأملی پدید آورند. قطعاً جمهوری اسلامی هر چقدر هم سرکوبگر باشد در برابر این اتحاد تاب نخواهد آورد.

مصاف طبقه کارگر با طبقات فوقانی مفهومی جز درافتادن با زیربنای اقتصادی و روبناهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نظام سرمایه داری ندارد، پس اگر گلاویز شدن کارگران با سرمایه داران نبردی همه جانبه با آنچه نمود کامل ستم و نابرابری جامعه طبقاتی به زعامت بورژوازی است، نایستی از اعلام صریح مخالفت با حکومتگران پرهیز کرد. کارگران و فعالین کارگری در انقلاب هزار و سیصد و پنجاه هفت به سیل خروشان توده های ستمدیده علیه دیکتاتوری پهلوی ملحق شدند و عاقبت آن شد که دیدیم. چنانچه کارگران صنایع مادر فی المثل شرکت نفت به زنان و دانشجویان و اقشار معترض و ناراضی نمی پیوستند، قیام پنجاه و هفت با شکست مواجه می شد.

همکاری عملی فعالین چپ جنبش بدون هیچ اما و اگر

"همگرایی و کار مشترک فعالین چپ" افضل ترین و مهمترین شرط پیشروی جنبش کارگری است. حتماً نباید برای فعالیت با یکدیگر ابتدا به تفاهم رسید یا یک ایده را قبول کرد. چند گونگی افکار و نظرات متعدد نه بخرنج و نه غیر قابل حلد، مع الوصف همانطور در مقدمه آمده، بایستی با صبر و شکیبائی سراغ بحث هائی رفت که دارای نقص اند، حساب شده نیستند یا با تأمل کمتری مطرح شده اند.

منطق حکم می کند که انتقادهای دلسوزانه را بجان خرید و ارج نهاد، زیرا منتقد نظر مثل صاحب نظر همان دغدغه را دارد و همان هدف استراتژیک را دنبال می کند. باید پذیرفت خود این پافشاری در ره یابی به هدف مشترک موجبات بروز چنین برخوردهائی را فراهم می آورد. از این

آدرس های حزب کمونیست ایران و کومه له

نماینده کومه له در خارج کشور

K.K.
P.O.Box 75026
750 26 Uppsala
Sweden
Fax: +46-18-46 84 93
komala@cpiran.org
Tel: +44 -7746163103

دوشنبه و جمعه
ساعت ۱۹ تا ۲۲ به وقت اروپا

دبیرخانه حزب کمونیست ایران

C.D.C.R.I
Box 2018
127 02 Skärholmen
SWEDEN
Tel +46-08-86 80 54
cpi@cpiran.org

نماینده کومه له در
سلیمانیه
Tel: 3124760 - 3125815

کمیته مرکزی کومه له
Tel: 00442081441539

کمیته خارج کشور
حزب کمونیست ایران

+46-707 254 016
kkh@cpiran.org

صدای مزب کمونیست ایران

شب ها: ۲۰ تا ۲۱

صبح جمعه ها: ۸ تا ۹

۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز

۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز

۴۹ متر برابر ۶۴۳۰ کیلوهرتز

صدای انقلاب ایران (راديو کومه له)

ظهرها: ۱۳ تا ۱۴ عصرها: ۱۹ تا ۲۰

شب ها: ۲۲ تا ۲۲،۳۰

۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز

۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز

۴۹ متر برابر ۶۴۳۰ کیلوهرتز

نصرت تیمورزاده

«نوکیا» دو سمت گیری در مبارزات کارگری

تلفن دستی خود را که مارک نوکیا بر آن نقش بسته بود، روی زمین پرتاب نموده و مردم را به اقدام مشابه فراخواند، که گویا کمپانی‌های دیگری تولید کننده تلفن همراه انسانی‌تر از نوکیا عمل می‌کنند. بی‌فایده نخواهد بود اگر نظری به کمپانی‌های رقیب بیفکنیم.

کمپانی سامسونگ Samsung با در دست داشتن ۱۴/۵ درصد از بازار جهانی مقام دوم را دارد. این کمپانی فقط در سه ماهه سوم سال ۲۰۰۷ اقدام به بیکارسازی ۲۳۷۹ کارگر نمود در حالیکه تولید تلفن های خود را به مقدار ۱۱ درصد یعنی معادل ۱۲/۵۵ میلیارد یورو افزایش داده بود.

کمپانی موتورولا Motorola با ۱۳/۱ درصد سهمیه در بازار جهانی مقام سوم را دارد. این کمپانی در سال گذشته ۳۰۰۰ کارگر یعنی ۱۱ درصد از کارگران خود را بیکار ساخت و در نظر دارد تا آخر سال ۲۰۰۸، چهار هزار کارگر دیگر را بیکار سازد و از این طریق ۶۰۰ میلیون دلار از مخارج خود بکاهد.

کمپانی سونی اریکسون Sony Ericsson با سهم ۹ درصد از بازار جهانی مقام چهارم را داشته و از ادغام ۲ انحصار سوئدی اریکسون و ژاپنی سونی در سال ۲۰۰۱ به وجود آمده است. در جریان این ادغام بیش از ۲۰ هزار نفر از کارگران اریکسون بیکار شدند و این در حالی است که در سال گذشته درآمد شرکت از ۱۰/۵۹۵ میلیارد به ۱۲/۹۱۶ میلیارد افزایش یافت اما همین کمپانی ۵۰۰ کارگر را بیکار ساخت.

پیشنهاد عوامفریبانه رهبر حزب سوسیال دمکرات در بایکوت تولیدات نوکیا در واقع امر، این است که کارگران، انتخابی غیر از بیکار شدن ندارند.

حزب مارکسیست لنینیست آلمان - ام، ال، پی، دی - از همان ابتداء با انتشار فراخوان‌های متعدد، کارگران را دعوت به یک اعتصاب نامحدود نمود و اعلام کرد که آماده است تمام امکانات خود را در اختیار کارگران نوکیا قرار دهد. فراخوان توجه کارگران نوکیا را به مبارزه درخشان ۷ روزه کارگران اپل در شهر بوخوم در سال ۲۰۰۴ میلادی جلب نموده و خاطر نشان ساخت که کارگران اپل تنها از طریق مبارزه مستقل خود توانستند کارفرما را به عقب نشینی وا داشته و محل اشتغال خود را حفظ نمایند. آنها فراخوان خود را در تمام شهر های آلمان در مقابل کارخانجات و موسسات تولیدی پخش نموده و خواهان پشتیبانی آنان از کارگران نوکیا شدند.

روز سه شنبه ۲۲ ژانویه تظاهرات بزرگ و وسیعی در شهر بوخوم برگزار شد. در این تظاهرات بیش از ۱۵ هزار نفر شرکت کردند. شماری از شرکت کنندگان، کارگرانی بودند که از سایر شهرهای آلمان با طی صدها کیلومتر، شبانه و یا صبح زود خود را به شهر بوخوم رسانده بودند. از جمله می‌توان از کارگران فولکس واگن از شمال آلمان، کارگران مرسدس بنز از جنوب آلمان، کارگران مراکز تولیدی بوش، زیمنس، فیلیپس، کروب و بسیاری از اتحادیه‌های کارگری، نام برد. شاگردان مدارس از شهرهای نزدیک کلاس‌های درس را تعطیل کرده و در تظاهرات شرکت نموده بودند. روی

بوخوم و حتی در سرتاسر آلمان مشاهده می‌شد، نخست وزیر ایالت "نرد راین وستفالن" از حزب دمکرات مسیحی - بوخوم از شهرهای این ایالت است - همراه با ۲ تن از اعضای کابینه اش در میان کارگران حاضر شده و اعلام نمود که با مدیران نوکیا تماس گرفته و آنها را متقاعد خواهد ساخت که می‌توان در بوخوم هم مخارج تولید را به حدی رساند که نوکیا از تصمیم خود منصرف شود. این البته هیچ مفهومی جز افزایش شدت استثمار و فقر مطلق کارگران نوکیا در بوخوم نمی‌تواند به دنبال داشته باشد و آنها در شرایطی که حداقل دستمزد در آلمان در بسیاری از موسسات معادل ۷/۵ یورو در ساعت تصویب شده است.

اما تجارب سالهای گذشته به روشنی نشان داده است که تسلیم شدن به فشار کارفرما جهت پائین آوردن دستمزد هیچگونه نتیجه‌ای به بار نیاورده و کارفرما هر زمانی که منافعش ایجاد کرده لحظه‌ای تعلل در انتقال تولید خود به جاهای دیگر و بیکارسازی کارگران ننموده است. اما پشت این پیشنهاد هدف دیگری نیز پنهان است و



نوکیا در پی سود بیشتر

آن ممانعت از برگزاری آکسیون‌های اعتراضی از جانب کارگران تحت بهانه اینکه این اعتراضات می‌توانند به مذاکرات لطمه وارد کنند. و این در حالی است که کارگران بوخوم تمام برگهای برنده را جهت به زانو درآوردن کارفرما در اختیار دارند. چرا که هنوز خط تولید در رومانی بکار نیفتاده است و لذا تولید روزانه نزدیک به ۱۰ هزار دستگاه تلفن دستی در بوخوم باید چند ماه دیگر ادامه پیدا کند. لذا اقدام به یک اعتصاب نامحدود بهترین پاسخی است که کارگران می‌توانند در لحظه کنونی به این هجوم وحشیانه کارفرما بدهند.

از روز پنجشنبه ۱۷ ژانویه شوک حاصل از اعلام خبر، جای خود را به ابراز خشم و حرکت به سمت فعالیت‌های اعتراضی داد. پنجشنبه شب شماری از کارگران اقدام به ایجاد پست نگهبانی شبانه کرده و در روز جمعه ۱۸ ژانویه یک کنفرانس مطبوعاتی در مرکز شهر برگزار شد. در جریان این کنفرانس مطبوعاتی نمایندگان احزاب بورژوازی آلمان گوی سبقت را در اجرای نمایش عوامفریبانه از یکدیگر ربودند. آنان که خود به مثابه کارگزاران سرمایه در دولت آلمان کمپانی نوکیا را سوبسید کرده بودند، اکنون صحبت از بایکوت تولیدات نوکیا نموده و آنرا به مثابه یک راه حل ارائه می‌کردند. حتی رهبر حزب سوسیال دمکرات

کمپانی فنلاندی نوکیا بزرگترین تولید کننده تلفن های دستی در تاریخ ۱۵ ژانویه ۲۰۰۸ اعلام نمود که مرکز تولیدی نوکیا در شهر بوخوم آلمان تعطیل شده و خط تولید به کشور رومانی انتقال داده خواهد شد. این امر به مفهوم بیکاری ۲۳۰۰ کارگر دائمی، ۱۰۰۰ کارگر قراردادی و نزدیک به همین تعداد کارگران وابسته و جانبی این کمپانی می‌باشد.

اعلام این خبر با بهت و انزجار عمومی کارگران شهر بوخوم روبرو گردید.

کمپانی نوکیا با تصاحب ۳۸/۱ درصد از بازار جهانی مقام اول تولید تلفن همراه را بخود اختصاص داده است. مدیران کمپانی اعلام کردند که در سال ۲۰۰۸ میلادی با رشدی معادل ۱۰ درصد در اروپا و ۱۵ درصد در آسیا روبرو خواهند بود. در سال ۲۰۰۷ میلادی کمپانی مزبور ۷/۳ میلیارد یورو سود خالص داشته و سهم مرکز تولیدی شهر بوخوم در این سود معادل ۱۵ درصد بوده است. یعنی هر کارگر این کمپانی در شهر بوخوم معادل ۹۰ هزار یورو ارزش اضافی در سال گذشته تولید کرده است.

کمپانی نوکیا مبلغ ۸۶ میلیون یورو سوبسید از بازار مشترک اروپا و دولت آلمان جهت احداث مرکز تولیدی خود در شهر بوخوم دریافت کرده بود.

اکنون نوکیا خط تولید خود را به یک پارک صنعتی در حاشیه شهر سلوج (Cluj) در رومانی که بازهم از جانب بازار مشترک اروپا و دولت رومانی سوبسید شده است انتقال می‌دهد.

در این پارک صنعتی تا فرودگاه ویژه حمل و نقل و بارانداز ویژه، راه آهن احداث شده است. طبق نوشته روزنامه "کلنر اشتات انجیگر" (Kölner Stadtanzeiger) یک کارگر صنعتی در این منطقه رومانی دستمزد ماهیانه‌ای معادل ۳۰۰ تا ۴۰۰ یورو دریافت می‌کند و نوکیا به کارگران استخدامی خود ۲۰۰ یورو دستمزد ماهیانه پرداخت خواهد کرد.

ارقام فوق روشنگر این امر است که چرا کمپانی مزبور علیرغم ارزش اضافه‌ای که از حلقوم کارگران بوخوم آلمان بیرون کشیده، اکنون به رومانی انتقال داده می‌شود تا در فرصت دیگری بعد از مکیدن خون کارگران رومانی در جای دیگری مستقر شود.

یک روز بعد از انتشار خبر مربوط به بسته شدن کمپانی نوکیا در مطبوعات آلمان، موج وسیعی از همبستگی با کارگران نوکیا در سرتاسر آلمان به وجود آمد. در همین روز بیش از ۵۰۰ نفر از کارگران واحدهای تولیدی اپل، کروب، بوش، زیمنس، فیلیپس و نمایندگان از اتحادیه‌های کارگران فلزکار، شیمی، معدن، الکترونیک، خدمات در محل در اصل نوکیا اقدام به برگزاری میتینگ اعتراضی نمودند.

رئیس شورای کارخانه اپل بعنوان یکی از سخنرانان در میتینگ اعتراضی اعلام کرد: "چنانچه همکاران ما در نوکیا تصمیم به برگزاری آکسیون‌های اعتراضی نمایند مطمئن باشند که ما در اپل دست از کار کشیده و در آکسیون آنها شرکت خواهیم کرد." ناشی از جو اعتراضی شدیدی که در تمام روز در شهر

نوکیا به مدیران آن ارائه دهد. بر مبنای طرح آنها چنانچه کارفرما ۱۵ میلیون یورو سرمایه گذاری نماید، در این صورت کارگران قادر خواهند بود که سقف تولید را دو برابر نمایند. جواب کارفرما مبنی بر این که این طرح در استراتژی کلان نوکیا قابل تحقق نیست، آب پاکی بر روی دستان اعضای شورای کارخانه ریخت.

یک روز بعد از این ملاقات، تعداد ۵۰۰ تن از کارگران نوکیا در یک اقدام سمبلیک عکس‌های خود را به دروازه ورودی نوکیا در بوخوم چسباندند. بر بالای عکس‌ها نوشته شده بود که: «در پس نابودی هر محل اشتغال، سرنوشت یک انسان خوابیده است».

اکنون در مقابل کارگران دو راه بیشتر نمانده است: یا تسلیم گردیده و بازخرد شوند و یا اینکه خط تهاجم کارگری را در پیش گرفته و چرخ تولید را از کار بیاندازند. راه اول پیوستن به ارتش میلیونی بیکاران است، راه دوم راه مبارزه جهت حفظ محل کار و تکرار تجربه درخشان مبارزات کارگران اپل در ۲۰۰۴، کارگران بوش - زمینس در برلن در ۲۰۰۷ و...

و بالاخره این که بهتر است مبارزه کرده و شکست بخوریم تا اینکه بدون مبارزه تسلیم شویم. سرنوشت مبارزه کارگران نوکیا در بوخوم را پیروزی یکی از این دو خط تعیین خواهد کرد.

۱۹ فوریه ۲۰۰۸

جهان امروز

نشریه سیاسی

حزب کمونیست ایران

سردبیر: هلمت احمدیان

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

ha@cpiran.org

* جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می‌کند.
* استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر مآخذ آزاد است.

* مسئولیت مطالب جهان امروز با نویسندگان آن است و تنها مطالبی که با نام جهان امروز امضا شده باشد، موضع رسمی نشریه است.

* جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می‌رسد.

* مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه ۴ با سایز ۱۳ است.

شماره حساب جهان امروز

S-E Banken F-S
53682990054

مبارزه کارگران در بوخوم علیه مدیران نوکیا از اهمیت فراوانی نه تنها برای کارگران آلمانی، بلکه کارگران سایر کشورها که با سرنوشت مشابهی روبرو هستند، برخوردار است. کارگران در آلمان و در تمام جهان با دشمن مشترکی که همانا سیستم سرمایه داری که بر بنیان استثمار وحشیانه سازماندهی شده است، روبرویند... کارگران در تمام کشورهای جهان دیگر بیش از این نمی‌خواهند طوق بندگی صاحبان سرمایه را به گردن خویش آویزان کنند و لذا روحیه تهاجم کارگری در حال افزایش است... جهت پیروزی در مبارزه ما بیش از هر امری به وحدت، هم در چارچوب ملی و هم در مقیاس جهانی نیاز داریم... آنها پیام خود را با شعار «کارگران آلمانی و رومانی متحد شوید، کارگران تمام کشورها و ملت‌ها متحد شوید» به پایان می‌رسانند.

طنز تاریخ این که حزب رویزیونیستی آلمان (DKP (برادر حزب توده) طی فراخوانی با اشاره به قانون اساسی آلمان و قانون اساسی ایالت نرد راین وستفالن خواستار: «سلب مالکیت نوکیا از مرکز تولیدی بوخوم و دولتی کردن» آن شد بدین معنی که «دولت آلمان در مشارکت با دولت ایالتی و اتحادیه فلزکاران، طرح حفظ مرکز تولیدی بوخوم را ارائه دهند». این طرح «باید مرکز تولیدی بوخوم را از مالکیت خصوصی به مالکیت اجتماعی از طریق کنترل دمکراتیک کارکنان، اتحادیه کارگری و نمایندگان مردم» انتقال دهد. برای رویزیونیست‌ها مهم نیست که جوهر مرکزی قانون اساسی آلمان حفظ نظام سرمایه‌داری و تقدس مالکیت خصوصی بوده و دولت آلمان به مثابه کارگزار این نظام عمل می‌کند. رویزیونیست‌ها هنوز در نشئه گذار مسالمت آمیز از سرمایه داری به سوسیالیسم از طریق سیستم سرمایه‌داری دولتی هستند، آن هم بعد از اینکه کوس رسوائی این نوع گذار و این نوع دولت در هر کوی و برزنی به صدا در آمده و زمین لرزه ناشی از سقوط نظام‌های سرمایه‌داری دولتی در بلوک شرق و ورود آنان به اقتصاد بازار آزاد، اثرات خود را در سرتاسر پهنه گیتی به جای گذارد. معلوم نیست رویزیونیست‌ها از کدام «مالکیت اجتماعی» و از کدام «کنترل دمکراتیک» آن هم در جامعه سرمایه‌داری متروپل امپریالیستی آلمان صحبت می‌کنند. «مالکیت اجتماعی» و «کنترل دمکراتیک» کارکنان و توده‌های مردم تنها زمانی میسر است که مسئله قدرت سیاسی در دست بورژوازی و کارگزاران آن است، سخن از مالکیت اجتماعی و کنترل دمکراتیک، خاک پاشیدن به چشم کارگران و توده‌های مردم است.

در تاریخ ۱۱ فوریه شورای کارخانه نوکیا در بوخوم عازم فنلاند گردید تا طرح خود را جهت حفظ مرکز تولیدی

باندورلی که عده ای از دانش آموزان با خود حمل می‌کردند نوشته شده بود: «ما تنها جهت حفظ اشتغال پدران و مادرانمان در اینجا جمع نشده‌ایم، ما هم چنین برای آینده خود مبارزه می‌کنیم». چشمگیرتر از همه صف ۲ هزار نفره کارگران اپل بود که شیفت صبح خود را تعطیل کرده و در ساعت ۱۰/۳۰ دقیقه خود را به محل تظاهرات رسانده بودند. آنان با باندورلی‌های خود از جمله: «کارگران اپل، همبستگی خود را با کارگران نوکیا اعلام می‌کنند» نمایش قدرتمندی از همبستگی کارگری را ابراز نمودند. در حالیکه رهبران احزاب بورژوائی و رهبری راست رفرمیست اتحادیه‌ها، کارگران را دعوت به آرامش نموده و خواهان آن بودند که مذاکرات جاری بین دولت آلمان، اتحادیه‌های کارگری و کارفرما را به خطر نیاندازند در مقابل کارگران با استفاده از میکروفن آزادی که توسط حزب مارکسیست - لنینیست آلمان بر روی یک کامیون تعبیه شده بود، خواهان پیشبرد اعتصاب و مبارزه جهت حفظ محل اشتغال خود بودند. دبیر اول حزب مارکسیست - لنینیست آلمان به دفعات گوناگون از طریق میکروفون آزاد کارگران را به اعتصاب نامحدود فراخوانده و لزوم هوشیاری در مقابل ترندهای احزاب بورژوازی و کارفرما را یاد آور شد.

اکنون بیش از پیش دو خط در مقابل هم قرار گرفته‌اند. خط حفظ آرامش، عقب نشینی و در یوزگی در آستان کارفرما و خط تهاجم کارگری.

در پشت هر کدام از این خطوط نیروهای مختلفی سنگر گرفته‌اند، تمام احزاب بورژوائی، تمام رهبری رفرمیست اتحادیه‌های کارگری و تمامی بلندگوهای تبلیغی بورژوازی، کارگران را دعوت به آرامش و سپردن سرنوشت‌شان به حسن نیت کارفرما و مذاکرات فی‌مابین دولت، اتحادیه‌های کارگری و کارفرما می‌نمایند. جسورترین نمایندگان و بلندگوهای بورژوازی روشن‌تر از بقیه صحبت نموده و آشکارا اعلام می‌دارند که این قانونمندی نظام اقتصاد بازار آزاد بوده که کارفرما جانی برود که باصرفه‌تر می‌تواند تولید کند و لذا سرنوشت تولید در شهر بوخوم تعیین شده و هیاهو بیفایده است.

و اما در پشت خط تهاجم کارگری، یعنی اعتصاب نامحدود در بوخوم و فعالیت جهت گسترش آن به مجموعه مراکز تولیدی نوکیا فراتر از مرزهای جغرافیای آلمان، کارگران پیشروی نوکیا و سایر مؤسسات تولیدی، اعضای چپ اتحادیه‌های کارگری، حزب مارکسیست-لنینیست آلمان و نیروی گسترده‌ای از فعالین، پیشروان و احزاب مارکسیستی و انقلابی در سطح بین‌المللی قرار گرفته‌اند. حزب کمونیست نوین رومانی (NCPR) در پیام همبستگی خود به کارگران نوکیا در بوخوم از جمله اعلام کرد: «...»

از سایت های حزب کمونیست ایران و کومه له دیدن کنید!

سایت تلویزیون کومه له

سایت کومه له

سایت حزب کمونیست ایران



www.komala.tv

www.komalah.org

www.cpiran.org

بهرام رحمانی

به استقبال صدمین سالگرد هشت مارس هستیم



صدمین سالگرد هشت مارس، روز جهانی زن به زودی از راه می رسد. هشت مارس، یک دستاورد مهم سوسیالیسم کارگری در صد سال پیش است. تاریخی که دستاوردهای زیادی برای زنان و امر برابری بین زن و مرد به ارمغان آورده است. در روز ۸ مارس ۱۸۷۵، زنان کارگر نساجی شهر نیویورک، با خواست ۱۰ ساعت کار دست به اعتراض و تظاهرات زدند که این حرکت توسط پلیس شدیداً سرکوب گردید. در سال ۱۹۰۸، حزب سوسیالیست آمریکا با تشکیل «کمیته ملی زنان» خواهان حق رای برای زنان در انتخابات شد. در همان سال، کارگران زن بافنده با شعار ممنوعیت کار کودکان و کسب حق رای برای زنان دست به اعتراض و راهپیمایی زدند. در ادامه این مبارات پیگیر کارگران نساجی در سال ۱۹۰۹، روز ۸ مارس به عنوان روز ملی زن در آمریکا اعلام شد. در سال ۱۹۱۰، کنگره بین المللی سوسیالیست ها که در شهر «کپنهاگ» پایتخت دانمارک بر گزار گردید، کلارا زتکین، این زن کمونیست و از اعضای برجسته و سرشناس حزب سوسیال دموکرات آلمان، ۸ مارس را به پاس مبارزات خستگی ناپذیر زنان کارگر نساجی نیویورک، به عنوان روز جهانی زن به کنگره پیشنهاد کرد. این پیشنهاد با استقبال نمایندگان کنگره روبرو شد و به تصویب کنگره رسید. در گرامی داشت ۸ مارس در سال ۱۹۱۱، در برخی از کشورها به ویژه در دانمارک، سوئد، آلمان، استرالیا و... راهپیمایی های با شکوهی برگزار شد که زنان و مردان آزادی خواه به ویژه سوسیالیست ها و کارگران در آن ها شرکت فعال داشتند. این مبارزات و گرامی داشت روز جهانی زن، سال به سال گسترش یافت و با انقلاب شکوهمند اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، هجشی در امر جنبش زنان در سراسر جهان پدید آمد. سرانجام ۸ مارس در سال ۱۹۷۵، از سوی سازمان ملل متحد، به عنوان روز زن پذیرفته شد. بنابراین، هشت مارس، با پیگیری و مبارزه بی وقفه جنبش کارگری سوسیالیستی به سیستم سرمایه داری و دولت های حامی آن تحمیل شده است. اکنون از آن تاریخ حدود صد سال می گذرد و مبارزه بر علیه ستم بر زنان و برای برقراری برابری بین زن و مرد در همه شئون اجتماعی ادامه دارد.

هشت مارس و کلارا زتکین

کلارا زتکین، یکی از پیشگامان سوسیالیست جنبش کارگری و مدافع پیگیر برابری زن و مرد در ۱۵۰ سال پیش در روستایی نزدیک لایپزیک آلمان، چشم به جهان گشود.

خانواده کلارا، سال ۱۸۷۲ به شهر لایپزیک نقل مکان کردند. وی در آن جا به عضویت حزب سوسیال دموکرات درآمد.

او، در لایپزیک از سال ۱۸۷۶، در سمینار ها و جلسات

آگوست اشمیت شرکت می کرد. کلارا در فاصله تحصیلاتش در جلسات انجمن آموزش کارگران لایپزیک شرکت می جست و به سخنان انقلابی روسی «اوسپ زتکین» که بعدها شریک زندگی اش شد گوش فرا می داد.

در سال ۱۸۷۸، بیسمارک فعالیت سوسیال دمکرات های آلمان را غیرقانونی اعلام کرد و فعالیت سیاسی این حزب ممنوع شد. در اثر قانون ضد سوسیالیستی بیسمارک، حدود ۱۳۵۰ روزنامه و کتاب ممنوع گردید و حدود ۹۰۰ نفر از اعضای حزب سوسیال دمکرات دستگیر و زندانی و یا تبعید شدند. در چنین شرایطی، کلارا و همسرش نیز مجبور شدند راه تبعید را در پیش بگیرند. آن ها در سال ۱۸۸۲، به به پاریس رفتند و در آن جا در سال ۱۸۸۲ و ۱۸۸۵ دو فرزند به نام های ماگزیم و کوستیا را به دنیا آوردند. منزل آن ها، محل ملاقات انقلابیون مهاجر روسی بود.

اواسط ژوئیه ۱۸۸۹ در پاریس، کنگره موسس بین الملل دوم برگزار گردید که کلارا در تدارک این کنگره نقش تعیین کننده ای داشت. وی در کنگره تنها منشی و مترجم نبود، بلکه در تاریخ ۱۹ ژوئیه اولین و بزرگ ترین سخنرانی خویش درباره «مساله زن» را انجام داد. این زن جوان، در برابر ۴۰۰ نفر از رهبران احزاب سوسیالیست و رهبران اتحادیه های کارگری سرتاسر اروپا که در میان آن ها تعداد کمی از نمایندگان شرکت کننده زن بودند پشت بلندگو قرار گرفت تا در باره آزادی زنان سخنرانی کند.



کلارا، در سخنرانی خود به امر برابری زن و مرد پرداخت و تاکید نمود که برابری زنان با مردان با برافکندن دولت طبقاتی از طریق مبارزه طبقاتی تامین می گردد. او ،

همچنین تاکید کرد که ترویج ایده های سوسیالیستی در بین زنان، ضروری تر از طرح عام ایده های آزادی زنان است. بنابراین، کلارا همکاری با زنان بورژوا را مردود دانست و تبعیض بر زنان را تبعیضات سرمایه داری نامید که باید از طریق انقلاب اجتماعی سرمایه داری را سرنگون کرد تا تبعیض و ستم بر زنان نیز رفع گردد.

با وجود تشویق سخنرانی کلارا، در عین حال کنگره در بخش هایی کار زنان را ممنوع اعلام کرد. برای بسیاری از سوسیال دمکرات ها زنانی که از مزدی ناچیز برخوردار بودند به عنوان «رقیب؟» مردان کارگر به حساب می آمدند.

۲۹ ژانویه ۱۸۸۹ همسر کلارا در سن ۳۹ سالگی در اثر بیماری ای درگذشت. کلارا، با دو فرزند خود به آلمان برگشت و در شهر اشتوتگارد اسکان گزید. در آن جا با ناشر سوسیال دمکرات «یوهان هاینریش دیتز» آشنا شد. دیتز، در سال ۱۸۹۲ مسئولیت تحریریه ارگان جنبش زنان سوسیالیست را به نام «برابری» را به کلارا سپرد.

این ارگان تحت رهبری کلارا، نشریه ای بود که هر دو ماه یک بار با تیراژی در حدود ۲۰۰۰ منتشر می شد به مشهورترین روزنامه زنان سوسیالیست با تیراژی در حدود ۱۲۵۰۰۰ در سال ۱۹۱۴ بالغ گردید. کلارا، از ۱۸۹۲ تا ۱۹۱۷ سردبیری نشریه «برابری» را به عهده داشت. وی، رهبری سازمان زنان سوسیال دمکرات را نیز عهده دار بود.

در آن زمان برخی از رهبران احزاب سوسیال دمکرات و اتحادیه های کارگری موافق کار زنان نبودند، کلارا نظر آن ها را به نقد می کشید و بر اشتغال زنان و حقوق برابر آنان با مردان تاکید می کرد. از احزاب سوسیالیست می خواست که به دفاع از این حق زنان برخیزند. او، بر این باور بود که کار زنان ضروری است، چرا که استقلال اقتصادی زنان پیش شرط رفع ستم بر زنان است.

در آگوست سال ۱۹۰۷ در اشتوتگارد ۸۸۴ نماینده از سازمان های کارگری اروپا، آسیا، آمریکا، استرالیا و آفریقا دور هم جمع شدند و کنگره بین المللی سوسیالیست ها را برگزار کردند. یک روز قبل از این نشست ۵۸ زن از ۱۵ کشور اولین کنفرانس بین المللی زنان سوسیالیست را برگزار نمودند و در آن درباره بسیاری از مسائل از جمله درباره حق رای زنان با یکدیگر تبادل نظر کردند.

کلارا، اداره و سازمان دهی اولین کنفرانس بین المللی زنان با شرکت نمایندگانی از ۱۵ کشور را بر عهده داشت. این کنفرانس تصمیم گرفت که همکاری و هماهنگی نیروهای زنان سوسیالیست جهان را سر و سامان دهد. نشریه «برابری» نیز به عنوان یک ارگان بین المللی در نظر گرفته شد. مسئولیت امور زنان در بین الملل دوم نیز به عهده کلارا زتکین گذاشته شد.

کلارا، بر این باور بود که «زنان کارگر می بایست در این باره آگاه باشند که نمی توانند حق رای را با یک مبارزه میان جنسیتی به دست آورند، بلکه تنها این امر از طریق مبارزه طبقاتی تمامی کسانی که استثمار می شوند بدون استثنا در جنسیت امکان پذیر است.» با انقلاب نوامبر ۱۹۱۸، زنان آلمان موفق شدند حق شهروندی خویش را در رابطه با حق رای به دست آورند.

وی، به عنوان رئیس هیات تحریریه نشریه حزب کمونیست آلمان «کاپ د» انتخاب گردید و در سال ۱۹۲۰ با توجه به نظرات لنین، محوره های اساسی کار کمونیستی زنان را طرح ریزی کرد.

زمانی که «اس پ د» به عنوان فراکسیون مجلس رایش در اوت ۱۹۱۴ وام های جنگی پادشاهی را تأیید نمود در آن زمان کلارا به اقلیتی انقلابی تعلق داشت که به برنامه انترناسیونال سوسیالیستی رزا لوکزامبورگ، کارل لیبکنشت و فرانس مرینگ مومن وفادار مانده بود.

با تلاش های کلارا در ماه مارس ۱۹۱۵ در برن سوسیالیست های بین الملل در یک کنفرانس ضد جنگ دور هم جمع گردیدند.

کلارا، با گرایش رفرمیستی حزب سوسیال دمکرات آلمان شدیداً اختلاف داشت و بر علیه



مبارزه کنیم.»

کلارا، در بین سال های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۳، به عنوان نماینده حزب کمونیست در ریچستاک (پارلمان)، آلمان مبارزه سیاسی خود را پیش برد. در تاریخ ۳۰ اوت ۱۹۳۲ کلارا سخت بیمار و تقریباً نابینا شده بود به عنوان رئیس قدیمی مجلس رایش را افتتاح کرد. مجلس پر از فاشیست های یونیفورم پوش بود که ۳۷،۴ درصد مجلس را تشکیل داده و قوی ترین فراکسیون بودند. کلارا در سخنرانی خود شدیداً به فاشیست حمله کرد. هم چنین از سوی حزب نازی به مرگ تهدید شده بود، اجلاس پارلمان آلمان را افتتاح کرد.

او با وجود وضعیت جسمانی بحرانی، بیش از یک ساعت در حال ایستاده سخنرانی تاریخی خود را ایراد کرد. او، ضمن این که فاشیسم را به عنوان «درنده خوترین شکل حکومت سرمایه داری انحصاری» محکوم کرد، تاکید کرد که سازمان های ضد فاشیست نباید رنج مضاعف میلیون ها زن را که ناشی از نابرابری جنسیت نادیده بگیرند. کلارا، در این سخنرانی مشهور خود، آرزو کرد که زنده باشد و آلمان سوسیالیست را به چشم ببیند!

کلارا، در سال ۱۹۳۲، طی یک سخنرانی، خواستار جبهه واحد کارگری بر علیه فاشیسم گردید. سرانجام با قدرت گیری فاشیست ها در سال ۱۹۳۳، بار دیگر اجباراً راهی تبعید شد و به مسکو رفت.

سال ۱۹۱۷، کلارا در بنیان گذاری اتحاد سوسیال دمکرات های آلمان که تشکیلاتی مستقل از حزب سوسیال دمکرات بود شرکت کرد. وی در سال ۱۹۱۹ که حق انتخابات پارلمانی برابر مردان و زنان برقرار شد او، نمایندگی حزب کمونیست در پارلمان را به عهده گرفت و از بلندگوی مجلس در مبارزه با گرایشات راست استفاده کرد.

در میان اعضای انترناسیونال کمونیستی، کلارا همواره به عنوان پیشتاز مبارزه برای آزادی زنان باقی ماند. کلارا زتکین در تاریخ ۲۰ ژوئن ۱۹۳۳، در آرشانگلوکسکوگ مسکو، در سن ۷۶ سالگی در گذشت. ۴۰۰۰۰۰ انسان در خانه اتحادیه های مسکو با وی وداع گفتند. یاد او به عنوان یک کمونیست و فعال عرصه زنان در تاریخ همواره زنده و گرامی است. دولت آلمان شرقی سابق به یاد کلارا، بارها تمبرهایی را منتشر کرد.

راپله سیاسی نزدیک و دوستانه لنین و کلارا

در سال ۱۹۰۷، کلارا در جریان کنگره سوسیالیست ها با سوسیال دمکرات های روسیه و به ویژه لنین از نزدیک آشنا گردید که این آشنایی به دوستی نزدیک و عمیقی منجر شد که تا آخر عمرشان این دوستی ادامه یافت. لنین، از پیشنهادها و نظریات کلارا در مورد رهایی زنان، استقبال کرده بود. کلارا زتکین، درباره «لنین و مسئله زنان»، نوشته است:

«لنین بارها مسایل مربوط به حقوق زنان را با من به بحث گذاشت. بدیهی است که وی اهمیت زیادی برای جنبش زنان قایل بود. جنبشی که در نظر او یک جزء حیاتی جنبش توده‌ای بود و در شرایطی می توانست در پیروزی این جنبش قاطع عمل کند. لازم به گفتن نیست که لنین برابری اجتماعی کامل زنان را به مثابه یک مساله اساسی می دید. مساله ای که هیچ کمونیستی نمی توانست آن را نادیده بگیرد.

آن مبارزه درون تشکیلاتی می کرد و سرانجام ۳ آگوست ۱۹۱۴، به دلیل دفاع حزب سوسیال دمکرات آلمان با سیاست های جنگ طلبی، از آن حزب کناره گرفت و مبارزه سیاسی خود را در جناح انقلابی سوسیال دمکراسی آلمان، با روزالوکزامبورگ و کارل لیبکنخت ادامه داد.

وی، در یکی از جلسات حزب «او اس پ د» جدائی نهائی خویش را از سوسیال دمکراسی اعلام نمود و گفت: «دقیقاً ۴۰ سال است که من برای ایده های سوسیالیستی می جنگم و همان قدر هم سن من است... می خواهم تا زمانی که می توانم موثر باشم در همین موضع قرار داشته باشم و مبارزه کنم. آن هم جایی که زندگی است و نه جایی که ضعف و حل شدن مرا احاطه کند. من نمی خواهم که بگذارم به اندیشه و روح زنده ام مرگ سیاسی دیده شود... تنها این سو و آن سوئی وجود دارد: «کاپیتالیسم یا سوسیالیسم.»

زتکین، در هیات رهبری امور بین المللی حزب کمونیست قرار گرفت. در پانزدهم ژانویه ۱۹۱۹، زمانی که رفقای هم‌زمش، لیبکنخت و رزا لوکزامبورگ پس از تحمل شکنجه های شدید، به طرز فجیعی توسط ماموران دولت آلمان، جان باختند. کلارا، سوگنامه مشهوری را به یاد رفقای جانباخته اش نوشت.

بدین ترتیب، کلارا تصمیم گرفت به حزب کمونیست آلمان ملحق شود. حزبی که وی در آن به همراه پاول لوی در سال ۱۹۲۰ به عنوان اولین نمایندگان کمونیست در مجلس رایش (پارلمان آلمان) انتخاب شدند. کلارا در این مجلس، فراخوان همبستگی با شوروی را داد و در همان سال خود به شوروی سفر کرد. او در این سفر، تحت تاثیر خودآگاهی مردم شوروی قرار گرفت. مردمی که با وجود سال ها جنگ و جنگ داخلی و تحریم های خارجی و گرسنگی آماده بودند سرنوشت خویش را مستقیماً به دست خویش رقم بزنند.

زمانی که در سال ۱۹۲۱ بعد از شکست قیام کمونیستی ماه مارس، در مرکز صنایع آلمان، کمیته کمک های سرخ برای پشتیبانی قربانیان دستگاه قضائی طبقاتی ایجاد گردید کلارا به کمیته مرکزی این کمیته پیوست.

او تا سال ۱۹۲۴، در ارگان های مرکزی حزب کمونیست آلمان فعال بود و از ۱۹۲۷ تا ۱۹۲۹ عضو کمیته مرکزی حزب بود. در سال ۱۹۲۵ کلارا، به عنوان رئیس سازمان کمک های سرخ بین المللی که در سرتاسر جهان شعبه هائی داشت انتخاب گردید. در کنار این مسئولیت وی همچنین دیگر مسئولیت های بین المللی را برای کمک به کارگران، زنان، اتحادیه های دوشیزگان و ... به عهده داشت.

کلارا، در ۲۰ یونی ۱۹۲۳ در گزارش خود به پلنوم کمیته انترناسیونال کمونیستی می نویسد: «پرولتاریا در زمان فاشیسم یک دشمن بسیار خطرناک و وحشتناک را در پیش روی خود دارد و فاشیسم قوی ترین و متمرکز ترین دشمن است و در واقع فاشیسم بیان کلاسیک حمله گسترده و کلی بورژوازی جهان در این لحظه و مقطع می باشد... حاملین فاشیسم اقشار اجتماعی گسترده می باشند و آنان حتی درون پرولتاریا هم نفوذ کرده اند. تنها اگر ما بفهمیم که فاشیسم تلاش دارد بر پهنه گسترده اجتماع تأثیری شعله برانگیز و مخرب به جای بگذارد پس خواهیم خواست که با کسانی که امنیت موجودیت قبلی خود و غالباً اعتقاد به نظم امروز را از دست داده اند

ما اولین گفتگوی طولانی خود در این مورد را در پاییز ۱۹۲۰ در کرملین انجام دادیم. لنین پشت میزی پوشیده از کتاب و کاغذ نشسته بود که به میز کار و مطالعه وی اشاره داشت.

پس از خوش آمدگویی به من گفت: ما باید یک جنبش بین المللی به تمام معنا قدرتمند زنان را بر مبنای تئوری های بنیادی روشن بر پا داریم. بدیهی است که بدون تئوری مارکسیسم نمی توانیم عمل مناسبی در این باره داشته باشیم. ما کمونیست ها به شفافیت مقولات پایه ای نیاز داریم. ما باید خط قاطعی میان خود و احزاب دیگر بکشیم. کنگره دوم بین الملل ما متأسفانه به انتظارات در مورد مباحث مربوط به زنان پاسخ نداد. مساله را مطرح کرد اما به موضع گیری مشخصی نرسید. کمیته ای هنوز مسئول این امر است و قرار است قطعنامه ها، تزاها و دستورالعمل هایی طرح ریزی کند. اما تا این جا پیشرفت کمی کرده است. شما باید به پیش برد این امر کمک کنید ...

لنین با اعتقاد و سر زندگی عمیقی صحبت می کرد. می توانست احساس کنم که هر کلمه ای از قلیش نشات می گیرد. حالت صورتش نیز این احساس را تشدید می کرد... «از متن «لنین و مساله زنان»

در این صد سال جنبش سوسیالیستی برابری زن و مرد توانسته است در دنیای غرب، برخی از خواست ها و مطالبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خویش را به سرمایه داری و دولت های حامی سرمایه تحمیل کند. اما باز هم در کشورهای پیشرفته صنعتی هنوز متوسط دستمزد زنان در ازای کار برابر کم تر از دستمزد مردان همکارشان است. همچنین نقش زنان در سیاست، به اقلیتی از زنان فعال محدود است. هنوز کار خانگی به عهده زنان است. خشونت علیه زنان خاتمه نیافته است. بنابراین، سرمایه داری نمی خواهد زن و مرد در عرصه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی از حق و حقوق یکسان و برابری برخوردار باشند. زیرا عموماً این برابری به نفع سیستم سرمایه نیست.

در آستانه صدمین سالگرد هشت مارس، میلیون ها زن همانند برده به کار گرفته می شوند. تبعیض، تحقیر، خشونت و فقر و فلاکت بیش تری متوجه زنان است. سیستم سرمایه داری همواره گرایش ارتجاعی مردسالاری را باز تولید می کند. هنوز گرایشات خرافی ملی و مذهبی، این گرایشات عقب مانده بورژوازی زندگی را بر زنان سخت و دشوار کرده است. در اثر این نابرابری و فشارها خودکشی در میان زنان بالاتر از مردان است. در بیکارسازی ها نخست زنان مزدبگیر بیکار می شوند. در جنگ ها، زنان مورد تجاوز جنگ طلبان قرار می گیرند. هر ساله صدها هزار زن باردار در کشورهای عقب نگاه داشته شده و در حال توسعه، هنگام زایمان به دلیل کمبودها پزشکی و بهداشتی جان خود را از دست می دهند و هم چنین نوزادشان را.

اگر در کشورهای غربی در اثر مبارزه پیگیر مشترک کارگران زن و مرد، بخشی از مطالبات زنان به دولت ها تحمیل شده است اما در قاره هایی هم چون آفریقا و آسیا، زنان زیر فشار کار خانگی، نردسالاری و فقر که زاینده سیستم سرمایه داری هستند کمرشان خم شده است. بسیاری از آن، در دوران جوانی، دچار پیری زودرس می شوند. در کشورهایی که

ها و مرگ و میرها قابل پیشگیری هستند. یا دوگلاس آلساندر، وزیر توسعه بین المللی بریتانیا، در کنفرانس جهانی مرگ و میر زنان هنگام بارداری (۱۸ اکتبر ۲۰۰۷ - ۲۶ مهر ۱۳۸۶) گفته است: «... برای هر دو میلیون دلاری که برای مبارزه با مرگ و میر ناشی از زایمان و بارداری خرج می شود، می توان از ۲۷۰ هزار بارداری ناخواسته و ۳۰۰ هزار سقط جنین جلوگیری کرد و جان ۱۶۰ مادر و ۲۲ هزار نوزاد را نجات داد.»

بدین ترتیب، اگر دولت ها رقم کوچکی از بودجه میلیتاریستی و نظامی گری خود بکاهند و به بهداشت و سلامتی جامعه جهانی به ویژه زنان اختصاص دهند از مرگ و میر حتمی صدها هزار مادر و نوزاد جلوگیری خواهد شد.

در هشت مارس، روز جهانی زن، قدرتمندتر از سال های گذشته، زنان و مردان آزادی خواه و برابری طلب و سوسیالیست دوش به دوش هم، صدای اعتراض خود بر علیه ستم و تبعیض و نابرابری بر زنان رساتر کرده و فریاد خواهند زد: بدون آزادی زن، در هیچ جامعه ای آزادی واقعی برقرار نخواهد شد! زنان و مردان سوسیالیست و برابری طلب در تجمعات و راهپیمایی های هشت مارس، تاکید خواهند کرد که بدون استراتژی سوسیالیستی و مبارزه پیگیر بر علیه سرمایه داری و حکومت های حامی سرمایه، ستم بر زنان محو نخواهد شد.

در جنبش زنان، گرایشات مختلفی فعالیت دارند و هر کدام از این گرایشات با باورها و جهان بینی خود به امر زنان و مبارزه آن ها می نگرند. اساسا مبارزه فمینیستی نیز محدود و مبارزه ای است که دست به عمق مناسبات سرمایه داری، یعنی این ریشه ستم و تبعیض و استثمار نمی برد. بنابراین، مبارزه در عرصه زنان با اهداف و استراتژی سوسیالیستی امر مهم مبارزه طبقاتی است. تنها با استراتژی سوسیالیستی می توان جامعه ای آزاد و برابر و انسانی و جامعه ای عاری از هرگونه تبعیض و ستم و استثمار ساخت. و به معنای واقعی در کلیه عرصه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی رابطه برابری بین زن و مرد برقرار کرد.

در هشت مارس امسال، به مناسبت صدمین سالگرد هشت مارس، پرچم سوسیالیسم را هر چه پیش تر به اهتزاز درآوریم و یاد عزیز کلارا زتکین، این کمونیست پیگیر رهایی زنان در جهان و بنیان گذار هشت مارس را با ادامه راه او گرامی بداریم!



مایملک مرد است. اگر زنی در دفاع از جسم خود مرتکب جنایتی شد محاکمه می شود. درحالی که اگر مرد زنش را به عنوان دفاع و حفظ شرف و ناموس پرستی به قتل برساند قانون شوهر را محق می داند.

عوامل بسیاری در بروز خشونت دخیل است فقر، تبعیض، محرومیت های اقتصادی، فرهنگ و سنت، فشار های اجتماعی، نداشتن قدرت و اختیار، دیدن تصویرهای خشن و سرکوبگرانه و عدم پشتوانه های قانونی و حمایتی کافی از زن و نگاه تبعیض آمیز به جنس زن و مهم ترین از همه حکومت اسلامی و قوانین آن باعث تداوم خشونت در ایران است.

اما با وجود سرکوب سیستماتیک زنان در ایران، زنان و مردان آزادی خواه و سوسیالیست و برابری طلب مرعوب



این فضای رعب و وحشتی که حکومت به وجود آورده است نشده اند و هم چنان به مبارزه خود ادامه می دهند. گرایش سوسیالیستی کارگری در ایران یک واقعیت انکارناپذیر و یک جنبش زنده و بالنده است که تاثیر آن را در جنبش های غیرکارگری هم چون جنبش دانشجویی نیز به طور آشکار و علنی مشاهده می کنیم. امروز مبارزه بر علیه حکومت اسلامی و قوانین ارتجاعی و ضد زن آن، تلاش برای جدایی دین از دولت و آموزش و پرورش، امر و مشغله روزمره اکثریت جامعه ایران است. ایران کشوری است که نزدیک به ۷۰ درصد آن را نیروی جوان تشکیل می دهد. نیرویی که تشنه آزادی و برابری و عدالت اجتماعی است. از این رو، جامعه ایران آبنستن حوادث گوناگون است.

در صدمین سالگرد هشت مارس، آمارهای تکان دهنده ای در رابطه با سرکوب و ستم بر زنان منتشر می شود. آمار صندوق جمعیت سازمان ملل متحد، تخمین زده است که هر ساله ۵۰۰۰ زن در سراسر جهان توسط خانواده های خود به دلایل ناموسی به قتل می رسند. از هر ۵ زن یک زن در زندگی خود مورد تجاوز و یا در معرض تهدید به تجاوز قرار می گیرد. دست کم یک زن از سه زن در سراسر جهان مورد ضرب و جرح، سوء استفاده جنسی یا به گونه ای در طول زندگی خود مورد آزار و اذیت جسمی قرار گرفته است. براساس پیام «بان کی مون» دبیرکل سازمان ملل متحد به مناسبت «روز جهانی جمعیت» ۱۱ جولای ۲۰۰۷ - ۲۰ تیر ۱۳۸۶: «امروزه بیش از نیم میلیون زن هر ساله طی بارداری و در هنگام وضع حمل جان می سپارند که ۹۹ درصد آنان در کشورهای در حال توسعه هستند. تعداد بیش تری دچار دشواری های جدی تری می شوند که می تواند اثر شدیدتر بر کیفیت زنان و خانواده های آنان داشته باشد. تقریبا تمامی این رنج

قوانین ارتجاعی اسلامی حاکم است زنان حتی به عنوان یک انسان کامل به رسمیت شناخته نمی شوند. «زن از دنده چپ آدم آفریده شده است؟» بنابراین، باید زیر سلطه و کنترل شدید مرد قرار گیرد. قوانین اسلام و قرآن که در نزد مسلمانان کتاب «مقدس آسمانی؟» نام گرفته، در مورد زنان هولناک است. براساس آیه های قرآن، زانی که قواعد اسلامی را رعایت نکند و در مقابل شوهر خود نافرمانی نشان دهد در آن دنیا، یعنی به «جهنم؟» رفته و در عذاب ابدی خواهد بود؟! در قوانین اسلامی، حتی کشتن زن توسط مرد به دلایل «ناموسی» مجاز شناخته می شود.

در کشورهایی هم چون ایران، زنان با معضلات و مشکلات بسیاری دست به گریبان هستند. در این کشور، حکومتی قرون وسطایی حاکم است که هیچ گونه آزادی و برابری را به رسمیت نمی شناسد و در این میان زنان نه تنها با سرکوب سیستماتیک حکومت اسلامی روبرو هستند، بلکه در اثر قوانین اسلامی آن، مردسالاری نیز رشد عجیب و غریبی پیدا کرده و ستم کشی و فرودستی زن در جامعه و خانواده به مرز غیرقابل تحملی رسیده است

حکومت اسلامی ایران، یکی از جانی ترین حکومت های جهان است که نیمی از شهروندان جامعه هفتاد میلیونی ایران را از حقوق انسانی و اجتماعی و سیاسی خود محروم کرده است. این حکومت جانی، حتی در ابتدایی ترین و خصوصی ترین مسئله زنان از جمله در انتخاب رنگ و مدل لباس آن ها نیز دخالت می کند. زن مجبور است در هر شرایطی، حجاب اسلامی اجباری را در گرما و سرما، در محیط کار و خیابان و منزل رعایت کند. در حکومت اسلامی، هیچ دختر و زنی احساس امنیت نمی کند. در کشوری که نمایندگان بالامنابع «خدا»، حاکم هستند هیچ مرجعی وجود ندارد که زنان ستم دیده و دردمند برای دادخواهی به آن جا مراجعه کنند. حتی اگر زنی در این کشور، مورد تجاوز قرار گیرد در صورت مراجعه به ارگان های «قانونی؟»، احتمال دارد که به سنگسار محکوم گردد. از این رو، بسیاری از زنانی که مورد تجاوز قرار می گیرند اجبارا سکوت اختیار می کنند و به انواع و اقسام بیماری های روحی و جسمی و مقاربتی مبتلا می گردند. بیش ترین ترس و وحشت دختران و زنان ایران، از ارگان های سرکوب حکومت اسلامی است.

در مورد میزان قتل های ناموسی در ایران آمارهای متفاوتی ارائه می شود. برخی مسئولان بیست درصد و برخی دیگر سی درصد قتل هایی را که در کشور انجام می گیرد در زمره قتل های ناموسی تخمین زده اند. بر اساس بررسی «انجمن جامعه شناسان ایران»، در فاصله سال های ۷۶ تا ۸۰ در ایران، بیش از هفت هزار قتل انجام گرفته که ۴۰۰ مورد آن قتل های ناموسی بوده اند. کارشناسان و حقوقدانان می گویند این آمارها فقط نماینگر بخشی از قتل های ناموسی است که در ایران انجام می گیرد.

ماده ۶۲۰ قانون مجازات اسلامی، در گسترش قتل های ناموسی بسیار موثر بوده است. «برابر ماده ۶۲۰ هرگاه مردی زن خود را در یک رختخواب با یک مرد اجنبی ببیند و او را بکشد از مجازات قتل بری است.» قاتلان با اتکاء به همین قانون آدمکشی، همواره دلیل جنایت خود را «ناموسی» معرفی می کنند. در افکار پوسیده اسلامی، مردسالار و سنتی، زن ناموس و

گزارش برگزاری روز کومه له در خارج کشور

در شماره قبلی جهان امروز گزارش برگزاری مراسم روز کومه له را در کانادا ملاحظه کردید. در این شماره، توجه شما را به گزیده ای از گزارشات این مراسم در شهر استکهلم و گوتنبرگ در سوئد، دانمارک، نروژ، فنلاند، آلمان و استرالیا جلب می کنیم. لازم به توضیح است که گزارشات تفصیلی مراسم روز کومه له در این کشورها و همچنین گزارشات شهرها و روستاهای کردستان، در سایت های حزب کمونیست ایران و کومه له قابل دسترسی است.

استکهلم

روز شنبه ۱۶ فوریه ۲۰۰۸ برابر با ۲۷ بهمن ماه ۱۳۸۶ مراسم با شکوهی در میان استقبال گرم و پر شور صدها نفر از دوستان جنبش انقلابی مردم کردستان، فعالین سیاسی و نمایندگان احزاب و جریانات سیاسی و همچنین دوستان و اعضای کومه له و حزب کمونیست ایران در استکهلم برگزار گردید.

سالن مراسم با شعارهای انقلابی و تصاویر رهبران کارگری جهان و پوستر جانباخته محمد حسین کریمی آراسته شده بود. بخش فیلم و اسلاید از گوشه های از تاریخ مبارزاتی کومه له و جنبش انقلابی کردستان جلوه خاصی را به سالن داده بود. نمایشگاه عکس تعدادی از رفقای جانباخته صفوف کومه له و حزب کمونیست ایران، در جوار سالن مراسم دایر شده بود.

برنامه های مراسم روز کومه له در استکهلم در دو بخش سیاسی و هنری برگزار گردید. مراسم بعد از اعلام فهرست برنامه ها از جانب مجریان برنامه گلاویز حسینی و سهیلا ترکیه با سرود انترناسیونال، سرود همبستگی کارگران جهان و اعلام یک دقیقه سکوت به پاس گرمی داشت یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم آغاز شد. سپس کالی آتشی با اجرای سرود "به رزه گیان بازیتان" سکوت مراسم را شکست. در ادامه تراکت تبلیغی و شعر قرائت شد.

سخنران مراسم روز کومه له در استکهلم ابراهیم علیزاده، دبیر اول کومه له پس از خوش آمدگویی به حضار، ادای احترام نسبت به کلیه جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم و در میان آنها جانباختگان کومه له، ادای احترام نسبت به خانواده هایشان و اعلام تعهد در وفاداری به راه و به آرمان هایشان، در سه محور اصلی مواضع و سیاست های کمیته مرکزی کومه له را تشریح نمود که در زیر چکیده و بخش هایی از آن را ملاحظه می کنید.

۱ - در مورد اوضاع سیاسی ایران

در این رابطه ابراهیم علیزاده بر دو نکته زیر تاکید نمود: الف: کشمکش بین ایران و آمریکا از هردو سو اهداف شناخته شده ای را تعقیب می کند که در اینجا هدف ارائه یک بحث جامع در مورد کلیه وجوه آن نیست. بلکه بحث بطور مشخص بر سر فضا سازی هایی است که از طریق دامن زدن به تبلیغات جنگی با اهداف معینی صورت می گیرد. اگر در گذشته و در مقطع جنگ ۸ ساله ایران و عراق، نفس جنگ وسیله ای برای تشدید سرکوبها و تثبیت موقعیت جمهوری اسلامی در ایران بود، در این دوره تبلیغات جنگی و ایجاد فضای تنش آلود در رابطه با آمریکا و انعکاس آن در ایران در خدمت همین هدف قرار دارد. هم جمهوری اسلامی و هم دولت های غربی و در راس آنها آمریکا هر کدام به نوعی از این موقعیت بهره مند می شوند.

جمهوری اسلامی در فضای ناشی از آن جامعه را در حالت نگرانی و انتظار نگه می دارد، مخالفین خود را



رادیکال و سوسیالیست مقبولیت اجتماعی پیدا کرده است و گرنه کم نیستند جنبش های ملی که به نردبان به قدرت رسیدن نیروهای واپسگرا و ضد مردم تبدیل شده اند و یا این ظرفیت را دارند که تبدیل بشوند. بنابراین ضمانت تغییر و تحول بخش اجتماعی در ایران آتی در اتکا به این جنبش های ماهیتا پیشرو می باشد و نه در پیمودن هر مسیری بسوی سرنگونی. الטרنا تویو رهایی بخش در ادامه تکامل قدم به قدم این جنبشها و در راس آنها جنبش کارگری سرانجام شکل خواهد گرفت.

۲ - مسئله کرد به مثابه یک مسئله منطقه ای

در مورد این بحث ابتدا ضروری است که یک واقعیت یاد آوری نمایم و آن این است که: اگر چه مردم کرد در چهارچوب کشورهایی که در آن زندگی می کنند در شرایط سیاسی و اجتماعی متفاوتی قرار دارند و مسیری را که برای رهایی از ستم ملی می پیمایند الزاما یکسان نخواهد بود، اما مبارزه این مردم برای رهایی از ستم ملی در بخشهای مختلف در دنیای واقعی به همدیگر ارتباط عینی داشته و دارد. از این رو علیرغم تفاوت های واقعی، خطوط استراتژیک عمومی و مشترکی هم وجود دارد که برای جلوگیری از غالب شدن نیروهای ارتجاعی بر مقدرات مردم کرد، برای جلوگیری از غالب شدن فضای یاس و ناامیدی ناشی از هژمونی احزاب سنتی و گسترش احساس تلخ به هدر رفتن زحمات و مصائبی که مردم کرد متحمل شده اند، لازم است مورد تاکید قرار بگیرند.

۱- آرمان رهایی از ستم ملی در عین حال بایستی به یک برنامه پیشرو اجتماعی در درون جامعه کردستان متکی باشد. خواست تامین حق تعیین سرنوشت و خواست تشکیل دولت مستقل اگر چه حق اولیه و عادلانه ایی است، اما امروز و بویژه با سرخوردگیهای ناشی از سلطه احزاب و رهبران سنتی بر جنبش های ملی در کردستان، به تنهایی نمی تواند اکثریت مردم جامعه را حول خود برای تامین همین حق هم بسیج و متشکل کند و در نتیجه مردم کرد را در همین زمینه هم به پیروزی برساند. مربوط شدن آرمان رهایی از ستم ملی به یک برنامه پیشرو اجتماعی که متضمن بهبود شرایط زندگی اقتصادی مردم کارگر و زحمتکش کردستان باشد، زنان را در مسیر رهایی قطعی از قید نابرابریهای اجتماعی سیاسی و اقتصادی قرار دهد، آزادیهای بدون قید و شرط سیاسی را در جامعه برقرار کند، محیط زیست سالم تری را ایجاد کند، کودکان را از حرمت انسانی برخوردار نماید و غیره، از ارکان یک استراتژی پیروزمند در جنبش هر بخش از کردستان هستند.

۲ - وجود یک استراتژی و سیاست میلیتانت و مبارزه جوانانه، که اساس خود را نه بر تکیه بر شکافهای منطقه ای و دخالت قدرتهای بزرگ، بلکه بر پشتیبانی پرشور مردم کردستان بنا کرده باشد. برای اینکه روشن باشد که در اینجا منظور نه یک سیاست

سرکوب می کند و وحدت صفوف خود را تقویت می کند. و دولت آمریکا هم تحت لوای آن قدرت نظامی خود را برای کسب هژمونی در جهان به رخ رقبای جهانی می کشد، در منطقه اسلحه می فروشد، سیستم موشکی در اروپا مستقر می کند و... پیش بینی نظری ما در مورد امکان یا عدم امکان وقوع عملی جنگ در آینده هر چه باشد، آنچه که امروز و تا همین جا هم عملا بر علیه مبارزه مردم مورد بهره برداری قرار می گیرد، بحران آفرینی عمدی و ایجاد تنش در مناسبات بین المللی و وحشت پراکنی در مورد جنگ است. کومه له و حزب کمونیست ایران به سهم خود خواهند کوشید که با ترویج واقع بینی در این زمینه مانورهای ریاکارانه رژیم جمهوری اسلامی را که در یک هماهنگی عملی با تبلیغات طرف مقابل صورت می گیرد، خنثی نماید و استراتژی خود را در مبارزه با این رژیم قاطعانه دنبال کند.

ب: اما مبارزه با جمهوری اسلامی برای ما یک حرکت هدفمند است. برای مردم کارگر و زحمتکش، برای مردم ستمدیده و آزادیخواه در ایران، مبارزه بر علیه این رژیم نمی تواند بدون توجه به این مسئله بسیار حیاتی پیش برود که در جریان تلاش برای سرنگونی آن چه بدلی برای جایگزینی آن شکل خواهد گرفت. چه تضمینی وجود خواهد داشت که مردم ایران چون دوره گذشته از چاله ای به چاله ای دیگر نیفتند؟ از اینرو بایستی سراغ آن جنبشها و حرکت های اجتماعی را گرفت که به طور عینی و در محتوای واقعی خود ترقی خواهانه و پیشرو هستند و نهایتا تحول بخش خواهند بود. جنبش کارگران بر علیه سرمایه داران و دولت حامی آنها برای تامین حقوق اولیه خود و یا جنبش زنان برای برابری و رفع تبعیض در محتوای عینی خود، انسانی و عدالت خواهانه هستند و اتکای به آنها می تواند از هم اکنون به جامعه این تضمین را بدهد که در نتیجه تکامل آگاهانه این عرصه ها ارتجاع دیگری جایگزین ارتجاع سرنگون شده نخواهد شد. این جنبش ها نه فقط به خاطر اهداف نهایی خود، بلکه در عین حال به خاطر بهبود بخشیدن به شرایط زندگی همین امروز هم، ماهیتا پیشرو هستند. در مورد جنبش کردستان هم باز بحث در همین سطح مطرح است. تفاوت امروز جامعه کردستان با بقیه مناطق در ایران که در آنجاها هم ستم و تبعیض ملی اعمال می شود در این واقعیت است که در جامعه کردستان حرکت



مردم را در انتظار نگه می‌دارند تا تاکید نمود و نتیجه این سیاست را تکرار سناریوی عراق در ایران دانست. محمد کمالی در بخش دیگری از صحبت هایش به تعرضات توپخانه‌ای نیروهای جمهوری اسلامی به مناطق مرزی کردستان به بهانه مقابله با حملات نیروهای اپوزیسیون اشاره کرد. او تاکید کرد در شرایطی که مناطق مرزی کردستان عراق تحت کنترل نیروهای آمریکاست، آنها هیچ عکس‌العملی به این تعرضات جمهوری اسلامی نشان ندادند. و این نشان می‌دهد که آنها به شیوه‌ای دوفاکتو با آن موافقت دارند. بدنبال سخنان محمد کمالی اسامی پیام سازمان‌ها و احزاب سیاسی قرائت شد. بخش دوم مراسم با یک برنامه هنری تا پاسی از شب ادامه یافت.

آلمان

روز شنبه دوم فوریه برابر با چهاردهم بهمن ماه، مراسم سالگرد اعلام موجودیت علنی کومه له با حضور و استقبال جمع کثیری از اعضاء و دوستداران کومه له، نمایندگان شماری از احزاب سیاسی کردستانی، ایران و آلمان، شمار قابل توجهی از فعالین و مدافعین جنبش کارگری در خارج از کشور و دیگر فعالین سیاسی و مردم آزادیخواه، در شهر کلن آلمان برگزار شد.

بدنبال اعلام فهرست برنامه‌های در نظر گرفته شده توسط مجریان مراسم، پروانه بکاه و توبا کمانگر، مراسم با اجرای سرود انترناسیونال، سرود همبستگی بین‌المللی کارگری آغاز گردید. بدنبال برای گرامیداشت یاد و خاطره همه جانب‌بخانگان راه آزادی و سوسیالیسم یک دقیقه سکوت رعایت شد. و با سرودی سکوت حاکم بر فضای سالن شکسته شد.

سپس فرهاد شعبانی عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران و کومه له به مناسبت سالگرد اعلام موجودیت علنی کومه له سخنانی ایراد کرد.

او در بخشی از سخنانش چنین گفت: «روز کومه له برای ما فرصتی است که ضمن بیان دوباره تعلق خود به این جهت، مجدداً بر ادامه این جهت‌گیری سوسیالیستی در جنبش انقلابی کردستان و ایران تاکید کنیم». او در بخشی دیگر از سخنانش اشاره نمود: «... ما ضمن ابراز خوشحالی عمیق از حضور جنبش کارگری در صحنه مبارزات و تبدیل شدنش به مرکز ثقل مبارزات کنونی، تمام تلاش‌هایمان بر این است که در سطح گسترده‌ای اخبار مبارزات و اعتراضات کارگران را منعکس کنیم و فریادشان را به گوش متحدینشان برسانیم. ما از وحدت طبقه کارگر حمایت می‌کنیم و بیشترین انرژی خود را به حصول این مقصود اختصاص می‌دهیم. ما ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری برای طبقه کارگر را از نان شب ضروری‌تر می‌دانیم و برای آن می‌کوشیم و ارگان‌های تبلیغی کومه له و حزب کمونیست ایران را در خدمت این امر بکار می‌گیریم. حرکتی که در خارج از مرزهای ایران برای پشتیبانی از مبارزات کارگران در ایران ما به‌آزادگی تشکیلاتی داشته و در هیئت شماری کمیته پشتیبانی از مبارزات کارگران در ایران شکل گرفته و فعالیت‌های ارزشمندی صورت داده را ستایش می‌کنیم و خود را بخشی از این حرکت در خارج از مرزهای ایران می‌دانیم. جنبش کارگری علی‌رغم تمام فشارهایی که بر فعالین و پیشروانش وارد است همچنان نبردکنان به پیش می‌رود و سران جمهوری اسلامی در هراسی کابوس‌گونه از این جنبش، واکنشی از سر استیصال

در یک محیط دموکراتیک میسر خواهد بود. هر گونه بند و بست بر سر تقسیم قدرت بین احزاب سیاسی از بالای سر مردم مردود اعلام شود.

ب: اعلام تعهد به عدم توسل به خشونت در مناسبات بین اپوزیسیون مسلح در کردستان.

ج: خودداری از هر گونه بند و بست با دشمن و گفتگو و مذاکرات جداگانه بر سر مصالح مبارزه مردم با رژیم حاکم.

د: قبول اصل آزادی سیاسی در همه زمینه‌ها بدون هیچ گونه محدودیتی.

در صورت تحقق شرایط فوق محیط سالمی برای یک مبارزه سیاسی، متمدنانه و همکاری در مقابله با دشمن فراهم خواهد آمد.

سخنرانی رفیق ابراهیم عزیز با اعلام تعهد کومه له بر اصول فوق و تعهد در مقابل جامعه کردستان به مبارزه پیگیر در راه تحقق «برنامه حاکمیت مردم در کردستان» به پایان رسید.

در بخش دیگری از برنامه جلال محمد نژاد، پیرامون فراخوان کمیته خارج کشور حزب کمونیست ایران در پشتیبانی از کمپین جهانی از روز ۱۶ فوریه برای آزادی فعالین دانشجویی در ایران و کمپین حمایت از فعالین کارگری در بند سخنانی را خطاب به شرکت‌کنندگان ایراد نمود.

این بخش از برنامه‌های مراسم با قرائت چند تراکت تبلیغی و سرود انقلابی به پایان رسید.

قسمت دوم مراسم شامل یک برنامه هنری بود با شرکت هنرمندان عزیز امید محمدی و آمانج قره‌داغی و گروه موزیک همراه که مورد استقبال گرم شرکت‌کنندگان قرار گرفت و برنامه هنری تا پاسی از شب در میان شور و شادمانی حاضرین ادامه پیدا کرد.

کوتنبرک

روز شنبه ۹ فوریه ۲۰۰۸ به فراخوان کمیته برگزاری روزی کومه له، با شرکت جمعی زیادی از طرفداران جنبش آزادیخواهانه کردستان، نمایندگان تشکیلات‌های سیاسی و دوستان و اعضای کومه له و حزب کمونیست ایران، مراسم باشکوهی بمناسبت ۲۹ مین سالروز علنی شدن فعالیت کومه له برگزار شد.

محل برگزاری مراسم با عکس‌هایی از رهبران کومه له و حزب کمونیست ایران و همچنین شعارهایی در پشتیبانی از مبارزه آزادیخواهانه و جنبش رادیکال و سوسیالیستی کردستان و ایران تزئین شده بود.

لیست برنامه به زبان‌های فارسی و کردی از طرف مونا امیری، خیال باغباری و اکو انوری قرائت گردید.

مراسم با سرود انترناسیونال، سرود همبستگی طبقه کارگر، شروع و بدنبال یک دقیقه سکوت برای ارج نهادن بپادرفقای جانب‌بخانه در راه آزادی و سوسیالیسم اختیار شد، و سپس شعر و سرودی بپاد جانب‌بخانگان تقدیم گردید.

محمد کمالی عضو کمیته مرکزی کومه له و حزب کمونیست ایران، باین مناسبت سخنانی ایراد کرد. او در این گفتار ضمن تریک روز کومه له و اشارات کوتاهی بر تاریخ کومه له، نکاتی را در رابطه با اوضاع سیاسی ایران بیان داشت. او در ادامه و در بخش دیگری از سخنان خود

ضمن اشاره به سیاست آمریکا در منطقه، به سیاست‌های نامسوئالانه و جریان‌های راست و ناسیونالیست، سلطنت‌طلبان، لیبرال‌ها و احزاب ناسیونالیست کردی که

افراطی بلکه یک سیاست انقلابی است، بایستی پایه مادی این انقلابیگری بر آنچه در محور قبلی بیان شد استوار باشد. در فرهنگ جیوانانه‌ای که ناسیونالیسم کرد رواج می‌دهد، سازشکاری، واقع‌بینی نام‌گرفته است و انقلابی عمل کردن، هرج و مرج طلبی. این تصویر بایستی عوض شود.

۳. اصل پیوند محکم با مبارزات مردم کارگر و زحمتکش در کشورهایی که مردم کرد در آن زندگی می‌کنند. ارتجاع کرد و غیر کرد بیشترین سود را از تفرقه بین مردم منتسب به ملیتهای مختلف و مذاهب مختلف می‌برد. اهداف مشترک انسانی و عادلانه، اکثریت مردم را در این کشورها در یک سنگر در مقابل قدرتهای حاکم قرار می‌دهد. بایستی در این مبارزات سراسری، آزادیخواهانه و برابری طلبانه فعالانه شرکت کرد. هر نوع سیاستی که مردم کرد را به کنج خلوت انزوی ملی خود بکشاند، محکوم به شکست است و چه بسا اهداف ارتجاعی را تعقیب می‌کند.

۴. مردم کرد در هر چهار بخش کردستان در عین اینکه برنامه عمل و استراتژی خاص خود را دارند، یار و یاور پشتیبان همدیگر هم هستند. نبایستی اجازه داد در هیچ شرایطی مبارزه مردم در یک بخش از جانب دولتهای حاکم در این کشورها بر علیه بخش دیگری مورد بهره‌برداری قرار گیرد. یک سیاست میلیتانت بایستی این واقعیت را با صراحت و بدون دغدغه‌های دیپلماتیک مرسوم، به همگان اعلام کند، در عمل آنرا به اجرا در آورد و تخطی از آن را جرم بداند.

۳. مناسبات بین احزاب سیاسی در کردستان ایران و مسئله وحدت و یا تفرقه و جدایی‌ها در میان احزاب سیاسی.

نکات اصلی این بحث عبارتند از:

۱) کردستان ایران جامعه سیاسی فعالی است. در چنین جامعه‌ای منافع طبقاتی، گرایش‌های اجتماعی و سیاسی مختلف به طور طبیعی در صف بندی‌های احزاب سیاسی منعکس می‌شود. اگر خفقان و سرکوب جمهوری اسلامی مجال بروز علنی این صف بندیها را بطور وسیعی در سطح جامعه نمی‌دهد به هیچ وجه به معنای عدم وجود و حتی رشد نسبی آنها در سه دهه اخیر نیست. در چنین جامعه‌ای مستقل از به رسمیت شناختن برنامه‌های اجتماعی مختلف و استراتژیهای سیاسی متفاوت، نمی‌توان مسئله وحدت و یا تفرقه احزاب را توضیح داد.

۲) با توجه به نکته فوق نفس شکل‌گیری احزاب مختلف در این جامعه حتی انشعابات و جداییها در صفوف احزاب، به خودی خود موجبی برای نگرانی نیست. تنها بایستی به انتظارات بر حقی که در این رابطه در جامعه کردستان وجود دارد، با شفافیت پاسخ داد. انتظار این است که تفاوت‌های سیاسی، تفاوت‌های برنامه‌ای، تفاوت‌های استراتژی، روشن باشند. هنگام بروز اختلافات حداقل روشهای متمدنانه رایج در دنیای پیشرفته سرمایه‌داری، معیار جدایی‌ها قرار گیرند.

۳) در مسئله همکاری بین احزاب سیاسی از نظر ما چند معیار اساسی و اصولی وجود دارند که می‌توانند در متن یک مبارزه مشترک با رژیم حاکم به ایجاد یک مناسبات اصولی و متمدنانه در درون جامعه کردستان کمک کنند: الف: قبول این پرنسپ اولیه که حضور احزاب سیاسی در حاکمیت تنها از طریق آرای آزادانه و انتخاب آزادانه مردم

نشان می دهند. دامنه اعتراضات و اعتصابات کارگری نه تنها کاهش پیدا نکرده، بلکه مبارزه برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری در دستور روز همه فعالین این جنبش قرار دارد. جنبشی که در بعد بین المللی توجهات زیادی را جلب کرده است. به دنبال سخنان فرهاد شعبانی، عباس سماکار شاعر و نویسنده انقلابی به شعر خوانی پرداخت و صدای رسا و اشعار انقلابی او همراه با تک نوازی یکی از هنرمندان حاضر بخشی از آن لحظات خاطره آور و آرامی بخش مراسم روز کومه له بود. و بدنبال آن، آزاد به شعر خوانی پرداخت و به دنبال لیست پیام های رسیده به مراسم روز کومه له قرائت گردید.

بخش دوم مراسم، برنامه هادی شاد هنری به زبان های فارسی و کردی بود که حضور هنرمندان بزرگ و شاهو و گروه موسیقی همراه برگزار شد و فضای شادی بخشی را ایجاد کرد. این مراسم در میان صفا و صمیمیت حاضرین به همدیگر در ساعت بعداز نیمه شب پایان یافت.

فنلاند

عصر روز شنبه ۹ فوریه مراسم با شکوه روز کومه له در میان شرکت و استقبال گرم صدها نفر مردم آزادیخواه، دوستداران جنبش انقلابی کردستان، نمایندگان احزاب و جریانات سیاسی و دوستان و اعضای کومه له و حزب کمونیست ایران در شهر تورکو در فنلاند برگزار گردید. سالن محل برگزاری مراسم با شعارهای کومه له، پوستر محمد حسین کریمی و رهبران بین المللی جنبش کارگری و همچنین یک نمایشگاه عکس در مورد رقای جانبخته راه آزادی و سوسیالیسم تزیین شده بود. مراسم روز کومه له به دنبال اعلام فهرست برنامه ها به زبان کردی و فارسی از جانب مجریان برنامه، آرزو نعلی و جمال اوپهنگ با اجرای سرود انترناسیونال، سرود همبستگی جهانی طبقه کارگر، توسط گروه سرود و رعایت یک دقیقه سکوت به یاد جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم آغاز گردید. سکوت مراسم با پخش سرود "به ریزه گیان بازیتان" با صدای کالی آتشی شکسته شد.

سخنران مراسم روز کومه له در فنلاند جلال محمد نژاد عضو کمیته مرکزی کومه له و حزب کمونیست ایران ضمن خوش آمدگویی به شرکت کنندگان و ادای احترام به یاد محمد حسین کریمی و جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم، پیدایش کومه له به عنوان بیان سیاسی به میدان آمدن طبقه کارگر در جامعه کردستان و تأثیرات تاریخی سیاست ها و سنت های انقلابی و کمونیستی کومه له در جامعه کردستان و ایران را یادآور شد و بر اهمیت روز کومه له بعنوان گرامیداشت یک جنبش اجتماعی پیشرو در سطح منطقه تأکید نمود.

جلال محمد نژاد در ادامه صحبتهایش اشاره کرد که: «در دنیای سرمایه داری امروز تحولات سیاسی بهم تنیده اند و بر همدیگر تأثیر مستقیم دارند. در این رابطه از جمله می توان به حضور آمریکا و متحدانش در خاورمیانه اشاره کرد. دولت آمریکا بعداز اتمام جنگ سرد و در شرایطی که بلحاظ اقتصادی قدرت تصرف بازارهای جهانی را نداشت، تلاش نمود که از طریق برتری نظامی و اشغال مناطق استراتژیک برای برقراری "نظم نوین" کوشش نماید. جنگ آمریکا در کشورهای بالکان، اشغال افغانستان و عراق در این راستا قابل توضیح است. نتیجه این سیاست اما، از جمله در عراق، برای توده های کارگر و زحمتکش

چیزی جز کشته شدن ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر، آوارگی و بی خانمان شدن میلیون ها انسان و از هم پاشیدن شیرازه زندگی اشان نبوده است. به طوریکه مردم عراق امروز در حسرت این هستند که یک شبانه روز را بدون انفجارهای مهیب و تلفات سنگین انسانی بسر برند. دولت آمریکا در بازبینی استراتژی خود اکنون با کشورهای دیکتاتور در منطقه به همکاری بیشتر پرداخته است تا در ازای تنظیم سهم واقعی هرکدام در تقسیم قدرت منطقه ای برای تأمین امنیت در سطح خاورمیانه منطقه تلاش کند. هماهنگی دولت آمریکا و دولت ترکیه که به منظور کسب موقعیت برتر در عراق به بمباران مناطق مرزی پرداخته است از جمله این موارد است. در این راستا لازم است تأکید نمود که موضعگیری و سیاست رادیکال و اصولی کومه له در مخالفت با این جنگ امپریالیستی و همراه شدن با جنبش جهانی علیه جنگ امروزه یک امر اثبات شده است. عواقب زیانبار و ویرانگر این جنگ بر کسی پوشیده نیست و از این زاویه متصل کردن سرنوشت مردم ستمدیده این منطقه و ایران به سیاستها و استراتژی آمریکا و آرزوی تکرار سناریوی عراق در ایران از جانب احزاب بورژوا ناسیونالیست یک سیاست کاملاً نادرستی است که لطمات جدی بر مبارزات کارگران و مردم آزادیخواه وارد خواهد کرد. تغییر واقعی در زندگی مردم و سرنوشتی دیکتاتوری جمهوری اسلامی بایستی توسط مبارزات روبه رشد کارگران و توده های ستمدیده ایران انجام گیرد».

بعد از صحبت های جلال محمد نژاد، سرود "پیشمرگ کارگران هستیم" تقدیم گردید و سپس لیست احزاب و جریانات سیاسی که به مناسبت روز کومه له پیام تبریک فرستاده بودند از جانب مجریان برنامه اعلام گردید.

همچنین چند پیام تبریک از شهرهای کردستان ایران خطاب به مراسم روز کومه له در فنلاند رسیده بود که عبارت بودند از: ۱- جمعی از هواداران و خانواده های جانبختگان کومه له در منطقه مارنج، موجش در کامیاران ۲- پیام جمعی از خانواده جانبختگان و هواداران کومه له و حزب کمونیست ایران در منطقه توربور و چمشار در سنج ۳- جمعی از تعمیرکاران شهرک صنعتی سنج ۴- جمعی از رانندگان کامیون و رانندگان مسافربری برون شهری سنج ۵- جمعی از هواداران کومه له و حزب کمونیست ایران در ایرانشهر و بم و جیرفت و کرمان.

در ادامه برنامه مجید نعلی و شیرین آباریان دو قطعه شعر از شاعران انقلابی را به مناسبت روز کومه له قرائت کردند و سپس با پخش تراکتی تبلیغی به این مناسبت بخش اول برنامه به پایان رسید.

بخش پایانی مراسم، یک برنامه هنری با شرکت هنرمند امید محمدی و با همکاری پویا بود که تا پاسی از شب ادامه پیدا کرده و مورد استقبال گرم شرکت کنندگان قرار گرفت.

استرالیا

مراسم باشکوه روز کومه له، در شهر سیدنی شامگاه شنبه ۲ فوریه با حضور جمع کثیری از فعالین سیاسی، نمایندگان احزاب و جریانات سیاسی، تشکل های دمکراتیک و دوستداران جنبش انقلابی کردستان، در میان استقبال گرم شرکت کنندگان برگزار گردید. سالن محل برگزاری مراسم با شعارهای انقلابی و نیز شعارهایی در دفاع از جنبش انقلابی کردستان، گرامیداشت روز کومه له و با

تصاویری از رهبران پرولتاریای جهانی، همچنین تصویر جانبخته محمد حسین کریمی از بنیانگذاران کومه له که در میان دسته هائی از گل مزین شده بود، توجه شرکت کنندگان را بخود جلب می کرد.

مجری برنامه عثمان مولودی ضمن عرض خیر مقدم حضور شرکت کنندگان در مراسم، تراکت کوتاهی را در خصوص گرامیداشت این روز قرائت و آنگاه فهرست برنامه را بزبان کردی و فارسی اعلام نمود. بدنبال سرود انترناسیونال، سرود همبستگی بین المللی طبقه کارگر، و اعلام یک دقیقه سکوت بیاد جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم اجرا و سپس با پخش سرود "به رزه گیان بازیتان" سکوت شکسته شد. قرائت شعری در خصوص گرامیداشت روز کومه له بخش دیگر برنامه بود که توسط علی احمدی اجراء گردید.

سخنران مراسم روز کومه له در سیدنی عرفان مروت جو در ابتدا ضمن خوش آمد گوئی به شرکت کنندگان، توضیحات کوتاهی در مورد اهمیت این روز و تجلیل از جانبختگان و خانواده هاشان، به تشریح اوضاع سیاسی ایران، منطقه و کردستان پرداخت.

عرفان مروت جو در بخشی از صحبتهایش اشاره نمود که: «کومه له با اتکاء به جنبش انقلابی و مبارزات مستقل مردم ستمدیده کردستان برای تحقق برنامه حاکمیت شورایی مردم کردستان که در کنگره ۱۲ کومه له مورد تصویب قرار گرفته است تلاش خواهد نمود و در این راستا نیز برای پیوند زدن این مبارزات با جنبش طبقه کارگر و سایر جنبشهای پیشرو در سراسر ایران قدم برخواهد داشت.»

در ادامه برنامه، تونی از طرف حزب کمونیست استرالیا پیامی را ارائه نمود. روپین از سوی احزاب سوسیال دمکرات استرالیا و حزب اتحاد سوسیالیست ها نیز توضیحات و پیامی را در گرامیداشت روز کومه له داد. همچنین، آندرو فرگوسن رئیس اتحادیه کارگران ساختمانی، معادن، انرژی و جنگلبانی CFMEU در ایالت نیو ساوت ولز پیامی ارائه داد.

عمر مولودی و علی احمدی در ادامه برنامه اشعاری زیبا و انقلابی را قرائت نمودند که تشویق شرکت کنندگان در برنامه را بدنبال داشت. قرائت چندین تراکت بزبان فارسی و کردی در لابلای برنامه توسط مجری برنامه و اعلام پیامهای رسیده بمناسبت روز کومه له از سوی احزاب و تشکلهای و جریانات سیاسی و دمکراتیک، پایان بخش قسمت اول برنامه بود.

بعد از صرف شام و استراحت کوتاهی بخش دوم برنامه با اجرای آواز زیبائی از رؤف و متعاقب آن هنرمائی هنرمند خوش صدای شهر سیدنی سردار قادر با همکاری و موزیک سفین علی و آسومیرزا کریم، آغاز و تا پاسی از نصف شب در میان شور و شوق حاضرین ادامه داشت.

خروژ

روز ۱۶ فوریه بنماسب ۲۶ بهمن روز کومه له در شهراسلو پایتخت کشور نروژ، همچون سالهای گذشته مراسم با شکوهی با حضور جمع وسیعی از دوستداران کومه له، فعالین تشکیلات حزب کمونیست ایران، دوستداران جنبش انقلابی، احزاب و سازمانهای سیاسی فعال، که از راههای بسیار دور و نزدیک به اسلو آمده بودند، برگزار شد.

مراسم با اعلام لیست برنامه ها توسط مجریان

JAHAN-E-EMROUZ

JE - P:O:Box 2018 127 02 Skärholmen SWEDEN

Editor: **Halmat Ahmadian**

ha@cpiran.org

25 February 2008 NO: **203**

لیست احزاب و سازمان ها و انجمن هائی که به مناسبت روز کومه له در کشورهای مختلف پیام تبریک داده اند، را در زیر ملاحظه می کنید. متن پیام های رسیده در سایت کومه له قابل دسترسی است.

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
اتحاد سوسیالیستی کارگری
سازمان فدائیان (اقلیت)
هسته اقلیت
کانون زندانیان سیاسی در تبعید
سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
هواداران چریکهای فدائی خلق ایران

اتحادیه میهنی کردستان
حزب دمکرات کردستان عراق
حزب دمکرات کردستان ایران
حزب دمکرات کردستان
حزب حیات آزاد کردستان (پژاک)

سازمان چاک — مرکز حلبچه علیه جنوساید کردستان
سازمان جوانان حزب دمکرات کردستان ایران
جمع کردهای ایالت نیوساوت ولز در استرالیا
کمیته زنان عراق
اتحادیه کمونیستهای عراق
اتحاد دمکراتیک ایرانیان — سیدنی
کانون همبستگی با کارگران ایران — فرانکفورت
کانون همبستگی با کارگران ایران — گوتنبرگ
کمیته حمایت از کارگران ایران در نروژ

نماینده ای از سازمان جوانان سرخ در نروژ
جمعی از زنان آزادی خواه در نروژ
سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان
تعدادی از دانشجویان دانشگاه اسلو
سوسیالیستهای عدالت خواه در سوئد
حزب کمونیست فنلاند
اتحادیه کمونیست های فنلاند و حزب کارگران فنلاند
حزب سوسیال دمکرات سوئد — کمون روبر تفورش
حزب چپ دانمارک (اینهزیلیست)
حزب کمونیست دانمارک
کمیته همبستگی با کارگران ایران — استرالیا
اتحادیه کارگران ساختمان، معادن، انرژی و جنگلبانی
CFMEU

اتحاد سوسیالیست های استرالیا
حزب سوسیال دمکرات استرالیا
حزب کمونیست استرالیا
تروتسکی پلانترم
حزب مارکسیست لنینیست آلمان



دوستان و آشنایان کومه له از شهرهای مختلف از جمله آرهوس، اسکویه، هورسس، وایله، کپنهاگ و جمع زیادی از خود آلبورگ در مراسم شرکت کردند. سالن محل برگزاری مراسم با شعارهای انقلابی و پوستررفقای جانبخته رفقا محمد حسین کریمی، فواد مصطفی سلطانی، صدیق کمانگر، دکتر جعفر شفیعی و رهبران کارگران جهان تزیین شده بود.

مراسم با معرفی فهرست برنامه ها و ارائه تاریخچه کوتاهی از کومه له توسط مجریان برنامه، محمود صالحی و بیان بیگ زاده به زبان های کردی و دانمارکی آغاز شد و سپس سرود انترناسیونال، سرود همبستگی جهانی کارگران، به مراسم رسمیت داد. در ادامه یکدقیقه سکوت به یاد جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم اعلام گردید. سکوت مراسم با سرودی از کالی آتشی شکسته شد. برنامه های مراسم روز کومه له در دانمارک شامل دو بخش سیاسی و هنری بود. در بخش سیاسی مراسم پیام کمیته مرکزی کومه له به مناسبت روز کومه له از جانب گوهر معمارزاده عضو کمیته خارج حزب کمونیست ایران قرائت گردید.

پیام کمیته مرکزی بعد از یادآوری اهمیت و جایگاه روز کومه له و ادای احترام به یاد جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم، سیاست و مواضع کومه له در مورد مهمترین تحولات ایران و منطقه را تشریح نمود. بعد از پیام گوهر معمارزاده تراکتی توسط مجری برنامه قرائت گردید. به دنبال آن کاوه احمدی "ژاکو" شعری به مناسبت روز کومه له تقدیم نمودند. در ادامه برنامه پیام سازمانها و احزاب و جریانات سیاسی خوانده شد.

همچنین لیست پیام های تبریک بمناسبت روز کومه له از طرف خانواده های جانبختگان، پیشمرگان و دوستداران کومه له از داخل ایران و کردستان اعلام گردید. بخش دوم برنامه بخش هنری بود که با صدای گرم هنرمند آمانج قره داغی و همراهی تیپ محبوب نهوین که تا پاسی از شب ادامه داشت و مورد استقبال گرم شرکت کنندگان قرار گرفت. همچنین دو نفر از شرکت کنندگان آوازهایی را به همین مناسبت تقدیم مهمانان کردند.

برنامه ایران مروتی و امید پویا به زبانهای کردی و فارسی و با پخش سرود انترناسیونال سرود جهانی طبقه کارگر و یک دقیقه سکوت به یاد همه جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم و پخش سرودی به این مناسبت، شروع شد. بخش نخست برنامه با سخنرانی ادیب وطن دوست کمیته مرکزی کومه له به مناسبت فرا رسیدن ۲۶ بهمن روز کومه له ادامه پیدا کرد. ادیب وطن دوست در سخنان خود ضمن اشاره به تاریخچه کوتاهی

از کومه له و نقش و جایگاه آن، به وضعیت ایران تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی پرداخت. در ادامه به گسترش مبارزه و جنبش های اجتماعی در سطح ایران و همچنین در کردستان، از جمله جنبش زنان، جوانان و دانشجویان و در رأس همه آنها مبارزه کارگران و جنبش این طبقه، اشاره نمودند که در شرایط تازه ای قرار گرفته است.

ادیب وطن دوست در بخش دیگری از سخنانش به خوشبختی و توهم احزاب ناسیونالیست در کردستان به دولتهای بزرگ سرمایه داری، و در رأس آنها دولت آمریکا برای حل مسئله کرد، اشاره کرد و او اظهار داشت که این سیاست تنها توهم پراکنی و سیاست صبر و انتظار را به جنبش کردستان توصیه می کند. او ادامه داد که سیاست دفاع از دولتهای منطقه در مقابل سرکوب جنبشهای مردم کردستان، در ایران، ترکیه و سوریه از استراتژی آمریکا است. در شرایطی که آمریکا در عراق حضور دارد دولت ترکیه به کردستان عراق حمله کرد و آمریکا نه تنها سکوت کرد بلکه از آن نیز دفاع کرد.

در بخش دیگری از برنامه بهروز ناصری پیرامون فرخوان کمیته خارج کشور حزب کمونیست ایران در پشتیبانی از کمین جهانی از روز ۱۶ فوریه برای آزادی فعالین دانشجویی در ایران و کمپین حمایت از فعالین کارگری در بند سخنانی را خطاب به شرکت کنندگان ایراد نمود. در ادامه مراسم پیام های رسیده از طرف احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی قرائت شد. بخش دوم مراسم که بخش هنری بود با شرکت هنرمندان اسعد رزازی و فریبرز با گروه همراه تا ساعاتی از شب در میان شور و شادی شرکت کنندگان ادامه پیدا کرد.

دانمارک:

به مناسبت ۲۶ بهمن روز کومه له برای اولین بار در شهر آلبورگ در دانمارک مراسمی با شکوهی از جانب کمیته برگزاری روز کومه له برگزار گردید. بعد از ظهر روز شنبه ۲ فوریه با وجود سرما و باد شدید تعداد زیادی دوستداران جنبش انقلابی کردستان، نمایندگان احزاب و جریانات سیاسی، فعالین سیاسی و